

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

خلاصه کتاب

تاریخ اندیشه های اقتصادی متفکران مسلمان

دکتر هادی غفاری

دکتر اصغر ابوالحسنی

فصل اول

مقدمه و کلیات

فصل اول

* تاریخ نگاران اندیشه های اقتصادی تولید دانش اقتصاد را به سده های ۱۷ و ۱۸ نسبت می دهند .

* با بررسی در نظریات خواجه نظام الدین طوسی می توان فهمید ۶۰۰ سال قبل از آدام اسمیت تحلیل های اقتصادی در ایران وجود داشته است .

* بر خلاف آنچه در تاریخ عقاید اقتصادی آمده است که آدام اسمیت را پدر علم اقتصاد نامیده است باید گفت ابن خادون تونسلی در علم اقتصاد می باشد زیرا او اولین کسی بود که اهم مسائل اقتصادی را به تجزیه و تحلیل علمی در آورد و همانند آدام اسمیت روش عینی ، تجربی را در طرح تئوریهها انتخاب کرده است .

* نخستین سلسله از صاحبان عقاید اقتصادی در دنیای غرب را می توان رایزنان کشورداری و جزوه نویسان دانست که پس از ابن خلدون تونسلی و قبل از شاه ولی الله بودند .

* آثار متفکران مسلمان در حدود ۶ قرن نسبت به عقاید غربی ها سبقت دارد .

موضوعات اقتصادی در تاریخ اسلامی در قالب های زیر بررسی شده است :

۱ - مباحث مربوط به مسائل اقتصادی در رشته تفسیر که تبیینی است از قرآن کریم .

۲ - مباحث مربوط به موضوعات اقتصادی مطرح شده در رشته فقه .

۳ - شخصیت های بزرگ اسلامی با هدف تکامل اخلاقی در باره موضوعات اقتصادی ضمن نظام اخلاق اسلامی بحث کرده اند .

۴ - مقداری از کتب زمانی که محققان بزرگ اسلامی دارای مسئولیت های دولتی بزرگی بودند برای پاسخ به نیازهای زمان خود به رشته تحریر در آمده اند .

۵ - در برخی کتب محققان و فلاسفه تحلیل های عینی از اقتصاد زمان خود را بیان داشته اند .

تحلیل فقهی :

وجوه شرعی و حدود را بیان می کند .

تحلیل اخلاقی :

بر روح حقیقی اسلام دلالت دارد .

فصل اول

ویژگیهای اندیشه های اقتصادی :

- ۱ - ریشه در جهان بینی اسلامی دارد .
- ۲ - بر عدالت اجتماعی تاکید فراوان دارد .

گفته یودویج :

برخی از نهاد ها ، روشها و مفاهیمی که در منابع شرعی اسلامی در قرن ۸ تکامل یافته بود تا قرن ها بعد هنوز در اروپا پدید نیامده بود .

گفته آنتونی گیدنز :

نظریات من و اندیشمندان نظریه پرداز چیزی جز بازسازی نظریات گذشتگان و تحلیل آنها نیست . به نظر وی مطالعه تاریخ یک سرگرمی نیست بلکه بحث ابزار اندیشه سازی است .

گفته مایکل فاستر :

افکار و نوشته های متفکران قدیم نماینده سنت واحدی از اندیشه بشری است که نه تنها نسبت به تمدن خود ما بیگانه نیست بلکه به واقع سرچشمه ها و اسلاف همین تمدن اند .

دیدگاه مخالفان مطالعه تاریخ عقاید اقتصادی :

الف (دیدگاه دیوید هیوم :

به نظر وی باید دیدگاههای گذشتگان را کنار گذاشت زیرا این نظریات منسوخ شده است و هم فاقد دارای ارزش علمی می باشند و بجای مطالعه مجدد آنها باید درباره نظریات معاصر بررسی و تحقیق کرد .

ب (دیدگاه عدم لزوم مطالعه تاریخ عقاید :

از نظر این گروه مطالعه تاریخ عقاید باعث بالا رفتن قدرت علم و تحلیل می شود اما در این میان زمان یک منبع کمیاب و مهم است و اگر آنرا صرف در مطالعه تاریخ کنیم از زمان که یک منبع کمیاب است به صورت بهینه استفاده نکرده ایم و تخصیص غیر بهینه منابع را انجام داده ایم .

فصل اول

دیدگاه موافقان مطالعه تاریخ عقاید اقتصادی :

الف (پاسخ به دیوید هیوم :

در این دیدگاه معتقدند که دیوید هیوم در مفهوم علم اشتباه کرده است . علم مجموعه یک نظریات نیست زیرا با ابطال یک نظریه علم نیز باید ابطال شود پس آنچه ابطال می شود نظریه است نه علم .

ب (نظریات علمی با پیدایش موارد نقض ابطال نمی شوند بلکه این نظریات با تلاش در جهت حل مشکل به وجود آمده به تکامل می رسند .

ج (در لابلای اندیشه های معاصر دیدگاه های گذشتگان نفوذ کرده و وجود دارند .

د (هر اندیشمند از شرایط محیطی اجتماعی ، تاریخی ، فرهنگی و شرایط محیطی خود تاثیر گرفته است .

اقتصاد ثباتی :

به تبیین و تفسیر واقعیتهای اقتصادی آن گونه که هست پرداخته می شود و وارد مباحث ارزشی ، بایدها و نبایدها نمی شود .

اقتصاد تجویزی (دستوری ، هنجاری) :

به بایدها و نبایدها توجه می کند و بحث ارزشها به میان می آید .

تقسیم بندی بررسی اندیشه های اقتصادی متفکران مسلمان

۱ - از جهت منابع :

منابع تاریخی - منابع فقهی - کتابهای اخلاقی - سفرنامه ها - منابع حکمت علمی - منابع مستقل

۲ - از جهت نگرش :

نگرش فلسفی : درباره اهداف ، آرمانها ، جهت گیری اقتصادی ، انگیزه های فردی به روش عقل گرایی بحث می شود .

نگرش فقهی : دنبال دیدگاه جزء نگری می باشد که از طریق استقرا عمل می شود (کنار هم قرار دادن احکام فقهی)

نگرش اخلاقی و عرفانی : به تغییر نگرش انسان و تعدیل انگیزه های اقتصادی توجه می شود .

فصل دوم

آراء و عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان تا اتمام قرن سوم
هجری قمری

ابویوسف

محمد بن حسن الشیبانی

یحییٰ بن آدم

ابوعبید قاسم بن سلام

قدامه بن جعفر

ابونصر محمد فارابی

عقاید و تفکرات و نظریات	نام اندیشمند
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>در کوفه به دنیا آمد و مدت ها پس از مرگ ابو حنیفه استاد خویش با رعایت سنتهای مذهب استادش نسبت به حکومت بی تفاوت ماند . در زمان مهدی خلیفه عباسی قاضی شرق بغداد و در دوران هادی قاضی بغداد و در دوران هارون الرشید به عنوان سرپرست دستگاه قضایی کشور شد که نخستین فردی بود لقب <u>قاضی القضاة</u> را گرفت . اولین فقیهی بود که رساله جامع پیرامون سیاست اقتصادی با نام <u>کتاب الحراج</u> به رشته تحریر در آورد.</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>وی به شدت مخالف واگذاری زمین به طور وسیع بود و پیشنهاد می کرد مالیات متناسب با محصولات کشاورزی بسته شود که این نوع وضع مالیات عادلانه تر بود و باعث گسترش زمین های زراعی زیر کشت می شد و نهایتاً باعث افزایش درآمدها می گشت . او پیشنهاد می کرد کارمندی حقوق بگیر وظیفه جمع آوری مالیات را برعهده گیرد و در عین حال تحت نظارت باشد تا احتمال انجام اعمال ناصحیح و ظالمانه کاهش یابد . به عقیده ابویوسف هدف اساسی مالیات بر اراضی ، ایجاد درآمد برای دفاع و اداره دولت است . یکی از وظایف مهم دولت را تولید کالاهای عمومی می دانست تا این امر موجب رونق کشاورزی شود . ملاک تصمیم گیری برای انجام یا عدم انجام پروژه های خاص بررسی این امر که اگر منافع آن بیشتر باشد باید اجازه انجام آن داده شود . هزینه در هر امری باید محاسبه و به نسبت توزیع شود .</p> <p><u>شرایط اخذ مالیات :</u></p> <ol style="list-style-type: none"> ۱- حداقل مقدار عادلانه وضع شود . ۲- هیچ ظلمی بر مودیان مالیاتی وضع نشود . ۳- باعث حفظ خزانه شود . ۴- به نفع دولت و مودیان باشد . ۵- در انتخاب بین سیاستها که اثر برابر بر خزانه دارند سیاستی انتخاب شود که به نفع مودیان مالیاتی باشد. <p>قیمت گذاری و کنترل قیمتها :</p> <p>به عقیده وی فراوانی غله دلیل بر قیمتهای پایین و کمیابی آن دلیل بر قیمتهای بالا نمی باشد ممکن است فراوانی و قیمتهای بالا یا کمیابی و قیمتهای پایین به طور همزمان وجود داشته باشد . در یک نگاه سریع چنین اعتقادی اساس نظریه قیمت را زیر سوال می برد اما با توجه به کالاهایی که ابویوسف مورد بحث قرار داده می توان نتیجه گرفت که آن کالاها امروزه به عنوان کالای ضروری نام برده می شوند که کشش بسیار پایین دارند .</p>	<p>ابو یوسف</p>
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>در واسط به دنیا آمد و در کوفه بزرگ شد در ۲۰ سالگی از نظر علمی در جایی قرار گرفت که هم ردیف ابویوسف قلمداد شد و در زمان هارون الرشید به عنوان قاضی منصوب شد . آثار مکتوب وی بیش از ۳۰ اثر است . رساله <u>الاكتساب فی الرزق المستطاب</u> ب پیرامون کسب نوشته است . کتاب <u>الاصل</u> به بحث پیرامون برخی از انواع معاملات از جمله سلم ، شرکت ، مضاربه و غیره پرداخته است .</p>	<p>محمد بن حسن الشیبانی</p>



<p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>فرد باید به اندازه ای درآمد داشته باشد که نیازهای فردی خود را برطرف سازد و بقیه را در جای دیگر و به خصوص افرادی که حمایت مالی آنها را برعهده دارد هزینه کند . توجه اصلی وی به نقش دولت در تضمین و برآورده کردن حوتج مردم ، عدالت در ارتباطات بشری و توسعه اقتصادی است . وی کشاورزی را به عنوان بهترین شغل قلمداد می کند .</p>	
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>در کوفه به دنیا آمد وی از جمله فقها و محدثانی بود که به انواع قرائت قرآن تسلط داشت احمد بن حنبل از جمله شاگردان وی بود . او در کتاب <u>الخراج</u> خویش به بررسی و تحلیل و تجزیه مسائل مالیه عمومی پرداخته است. کتاب وی مملو از احادیث مربوط به مالیه است و به مشکلات و قوانین مربوط به مالیات بر زمین ، زمین داری ، زراعت و وضعیت غیر مسلمانان می پردازد و این کتاب به نظر می رسد کتابی تالیفی و گردآوری شده است . وی یک فقیهی بود که بی طرف بود و مستقل از مذاهب به کار خود مشغول بود .</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>انواع اراضی :</p> <p><u>اراضی عنوه</u> : معتقد است یک پنجم اراضی عنوه در دست دولت باقی می ماند و چهار پنجم آن بین کسانی که آنرا تصرف کرده اند تقسیم می شود و یا اینکه خلیفه به عنوان بیت المال تمام مسلمان نزد خود نگه می دارد. معتقد است امام قدرت کامل درباره تصمیم گیری پیرامون این مطلب را دارد.</p> <p><u>اراضی خراج</u> : معتقد بود اراضی عنوه و صلح اراضی خراج اند و همچنین به زمینی که با رودخانه خراج آبیاری شده است خراج نیز تعلق می گیرد .</p> <p><u>احیای مزارع لم یزرع</u> : هرکس زمین لم یزرع را احیا کند مالک آن زمین خواهد شد . وی همچنین با استناد به احادیث تصریح می کند احیا مزارع لم یزرع با اجازه امام امکان پذیر است .</p> <p>پرداخت خراج توسط اهل ذمه :</p> <p>اگر فرد اسیر اسلام اختیار کند اموالش در اختیار خودش باقی خواهد ماند و خراج بر وی وضع نمی شود مگر اینکه فرد از سرزمینی آمده باشد که در آنجا جزیه و خراج پرداخت می کرده است ، اما در این مورد نیاز به پرداخت جزیه نیست در حالی که باید خراج را پرداخت کند .</p> <p>مالیت بر اراضی :</p> <p><u>نرخ عشر</u> : به اراضی که با استفاده از حیوانات ، چرخ یا کانال آبیاری می شود عشر یک بیستم تعلق می گیرد در حالی که بر زمین هایی که آبیاری دستی نشده اند عشر یک دهم تعلق می گیرد.</p> <p>اجناسی که مالیات بر آن وضع نمی شود :</p> <p>۱_ عسل ۲_ استحصال از دریا ۳_ ماهی ۴_ خرید زمین های خراج توسط مسلمانان ۵_ نفت خام ، قیر و جیوه</p>	<p>یحیی بن آدم</p> <p>ابوعبید ، قاسم بن سلام</p>
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>کتاب <u>الاموال</u> وی پیرامون مالیه عمومی است که کتابی غنی در زمینه مسائل تاریخی و موضوعات فقهی است .</p>	

<p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>کتاب الاموال با فصلی پیرامون حقوق مقابل حکام و زیردستان آغاز می شود سپس به بحث جمع آوری هزینه ها و درآمدها می پردازد مانعی زکات (شامل عشر) ، خمس مال به دست آمده از گنچ و جنگ و فیه که شامل خراج و جزیه می شود و دیگر اموال مانند اموال پیدا شده ، مال بی وارث و غیره را مطرح می کند . ابو عبید فقط نقل کننده عقای دیگران نبود از میان آراء مختلف نظر برگزیده خود را بر اساس شریعت و عقل مطرح می ساخت . مسئله مهم در نظر او رفع حوتج مردم و حفظ آنها از اثرات سوء برآورد نشدن نیازهایشان ، حتی اگر مستلزم صرف مبلغ زیادی از پول در یک مورد خاص بوده است .</p>	
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>قدمه در ابتدا مسیحی بود اما در دوران حکومت المکتفی اسلام اختیار کرده است کتاب <u>الخراج</u> قدمه در ربع اول سده چهارم هجری قمری به نگارش در آمده است و با این هدف بوده که ثابت کند قوانین مالیاتی موجود در حقیقت بر اساس موازین شریعت بنا نهاده شده است ووی نیز بیان کرده منبع اصلی او کتاب الاموال ابعبید است . در کتاب خود به نقش اختیاری و داوطلبانه زکات به عنوان وظیفه دینی تاکید دارد.</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p><u>اراضی عشر :</u></p> <ol style="list-style-type: none"> ۱_ اراضی کسانی که اسلام اختیار کرده اند . ۲_ اراضی که توسط مسلمانان از حالت لم یزرع خارج گشته و احیاء شده اند . ۳_ اراضی مفتوحه ای که بین فاتحان و تصرف کنندگان ان تقسیم شده است . ۴_ اراضی که توسط حکومت به صورت هبه به مسلمانان اعطا شده است . ۵_ اراضی سواد و دولتی که به تملک مسلمانان در آمده است .(اراضی سواد ، اراضی هستند که متعلق به شاهان ایرانی و خاندانان آنها شده است .) ۶_ اراضی که توسط دشمنان رها شده و هم اکنون تحت تملک مسلمانان است . <p><u>اراضی عنوه :</u></p> <p>یک پنجم آن در دست دولت باقی می ماند و چهار پنجم آن بین کسانی که آنرا تصرف کرده اند تقسیم می شود و یا اینکه خلیفه آنرا به عنوان بیت المال تمام مسلمین نزد خود نگه می دارد . امام قدرت کامل درباره تصمیم گیری پیرامون این موضوع را دارد.</p> <p><u>اراضی خراج :</u></p> <p>اراضی عنوه و صلح اراضی خراج اند.</p> <p><u>اراضی لم یزرع :</u></p> <p>هرکس زمین لم یزرع را احیا کند صاحب آن خواهد بود .</p> <p>مالیات بر اراضی :</p> <p><u>نرخ عشر :</u></p> <p>اراضی که با استفاده از حیوانات چرخ یا کانال آبیاری می شوند عشر یک بیستم تعلق می گیرد در حالی که بر زمینهایی که دستی آبیاری شده اند عشر یک دهم وضع می شود .</p> <p>اجناسی که شامل مالیات نمی شوند :</p> <p>عسل - استحصال از دریا - آبیاری - حفر کانال ها - نفت خام و گیر و جیوه</p>	<p>قدمه بن جعفر</p>

	<p>پارهایاتی و نرخ مالیات :</p> <p>بار مالیاتی بر اساس توانایی مردم در پرداخت باید وضع شود . مالیات تناسبی به معنای آن است که مالیات وضع شده بر روی زمین به تناسب محصولی است که از آن زمین به دست آمده است . معتقد است دولت موظف است به تهیه کالاهای عمومی .</p>
<p>ابونصر محمد فارابی</p>	<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>در وسیح از قراء شهر فاراب ترکستان کنار رود سیحون ا شهرهای ماوراء النهر ایران به دنیا آمد . ابوعلی سینا و ابن رشد او را معلم خویش می دانند. از وی ۳۷ جلد کتاب باقی مانده است . اشتهار او بیشتر از نظر شروحي است که او به آثار ارسطو و فرغوریوس در علوم ماوراء الطبیعه و امور نفسانی و سایر علوم نوشته است . کتاب <u>احصاء العلوم</u> او در فلسفه ، منطق ، ریاضیات ، سیاست و اقتصاد می باشد . کتاب <u>مدینه فاضله</u> او از فصل ۲۶ تا ۳۷ به تشریح مسائل اجتماعی و اقتصادی پرداخته است . در این کتاب روش اقتصاد مقایسه ای را در پیش گرفته و مدینه فاضله اسلامی را با مسائل جوامع غیر اسلامی مقایسه کرده است .</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p><u>صناعت مالی :</u></p> <p>صناعتی مه مسزولیت بخش مالی مدینه را به عهده می گیرد ، صنعتی است که با بهره گیری از سایر صنایع جزئی می تواند برای مدینه ثروت و درآمد کسب کند . مالیون و متولیان مسائل مالی کسانی هستند که در مدینه مال و سرمایه کسب می کنند .</p> <p>به نظر وی تدبیر و اداره مسائل مالی مدینه بر عهده مالیون است که در طبقه متوسط جامعه و زیر نظر رئیس هستند . رئیس مالیون رئیس بخش اقتصاد و در پایین آن بخش های خدماتی و در وسط آن بدنه اجرایی و اساسی اقتصاد قرار دارد .</p> <p>علت اقتصادی پیدایش اجتماع :</p> <p>به نظر فارابی تقسیم کار به منظور برآورد کردن نیازهای گوناگون آدمیان علت عمده پیدایش اجتماعات انسانی بوده است . ملاحظه می شود نیازهای وجودی و کمالی و همچنین عدم توانایی یک فرد در ارضاء آنها به تنها سبب پیدایش اجتماع و تقسیم کار می شود بلکه باعث پیدایش مبادله نیز می گردد .</p> <p>فعالیت های اقتصادی :</p> <p>وی فعالیت های اقتصادی را به دو قسم پست و شریف تقسیم میکند و معیار این تشخیص عبارت است از :</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱_ موضوع فعالیت اقتصادی : یعنی فعالیتی که روی آن انجام می شود پست باشد و ذائقه انسان آنرا نپسندد پست است //تخلیه چاه . ۲_ درآمد و سود فعالیت اقتصادی : آن فعالیتی که فایده و سود کمتری دارد پست است // پینه دوزی ۳_ سهولت انجام دادن فعالیت اقتصادی : کاری که انجام دادن آن نیاز به کارآموزی و تحصیل دانش نداشته باشد پست است //بلیط فروشی . <p>پیوند تولید و توسعه :</p> <p>آنچه که ما را آن به عنوان توسعه یاد می کنیم فارابی به تعبیر سعادت یاد کرده است . توسعه یک جامعه به</p>

نوع مقدار (کمیت) و مرغوبیت (کیفیت) تولیدات آن جانعه بستگی دارد. انواع فعالیت های تولیدی از نظر وی عبارتند از: بافندگی - بزازی - عطاری - رقص - فقه

عدالت:

مهم ترین مسئله ای که فارابی پس از بخش الهی در آثار خود بررسی کرده است عدالت می باشد. عدل در مرحله اول عبارت از تقسیم خیرات مشترک شهروندان بین همه آنها و در مرحله بعد محافظت از حقوق تقسیم شده افراد است و این یرات شامل سلامت مال، کرامت، مقام، مرتبه و سایر خیراتی است که همه شهروندان در آن سهیم هستند.

عدم تخصیص پهنه منابع:

اگر در جامعه منابع تولید به سمت کالاها و خدمات غیر ضروری و لوکس سوق داده شود به علت کمیابی نهاده ها به ناچار تولید خدمات و کالاهای ضروری و اساسی مشکل خواهد بود لذا مردم با کمبود این نوع کالاها و خدمات مواجه خواهند بود و این یعنی بروز بیماریهای سوء تغذیه و افزایش مرگ و میر.

فصل سوم

آراء و عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان در قرون چهارم و

پنجم هجری قمری

ابوعلی مسکویه

ابوریحان بیرونی

مأوردی ، ابوالحسن علی بن محمد

ابوعلی سینا

ابن حزم

خواجه نظام الملک طوسی

امام محمد غزالی

عقاید و تفکرات و نظریات	نام اندیشمند
<p style="text-align: right;">زندگی نامه و آثار :</p> <p>در اصفهان از دنیا رفته و در محله خواجه به خاک سپرده شده است . اندیشمندی شیعی مذهب و ایرانی تبار بوده است که سالها در دستگاه سلازین آل بویه فعالیت داشته است و دوران وی بحرانی ترین مقطع تاریخ اسلام بوده است .</p> <p>لقبی که وی را در فرایند تاریخ اندیشه متمایز می سازد <u>معلم ثالث</u> است که ارسطو را معلم اول و فارابی را معلم دوم می نامند. نوآوری های او در ترسیم اصول و مبانی فلسفه اخلاق این لقب را به صورت انحصاری به وی داده است .</p> <p>کتاب تجارب الامم در علم تاریخ و در اخلاق و فلسفه کتابهایی چون تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق و ترتیب السعاده و الفوز الاصغر و الحکمه الخالده می باشد.</p> <p style="text-align: right;">اندیشه های اقتصادی :</p> <p>انسانها از روی میل و کشش ، عاطفه و عشق به اجتماع تن نمی دهند بلکه از روی ضرورتی که طبیعت بر ایشان ایجاد میکند اجتماع را می پذیرد.</p> <p>۱ مدنی بالطبع بودن ۲ ضرورت معاش ۳ تحصیل فضایل و کمالات ۴ کمبود ها و کاستی های انسانی در مواجهه با طبیعت</p> <p>وی دلایل بالا را به تنهایی علت تامه در شکل گیری حیات اجتماعی نمی داند بلکه مجموعه آنها را باعث ایجاد اجتماعات انسانی می داند.</p> <p style="text-align: right;">علم اقتصاد :</p> <p>دانشی است که در حکمت عملی مورد بحث قرار می گیرد و از روش میل به کمال جامعه در چارچوب ارضای نیازهای ضروری خانواده در یک جامعه سخن می گوید .</p> <p>انسان دارای دو قوه عالمه و عامله می باشد .</p> <p><u>قوه عالمه</u> : بشر را به کسب علوم و معارف مشتاق می سازد .</p> <p><u>قوه عامله</u> : اقتصاد را که همان تنظیم صحیح امور مربوط به معاش است را مطرح می سازد .</p> <p>ایجاد زمینه رشد و تحول و سازندگی در جامعه از حفظ وضعیت موجود به مراتب اهمیت بیشتری دارد . مسکویه سعادت مادی و معنوی را با حسن العیش و تزیین العیش و مجموعه این دو را با عنوان عمارت و فضول العیش معرفی می کند .</p> <p style="text-align: right;">سیاست هکی :</p> <p>مباحثی هست که مدنیت را قوام می بخشد و مردم را بر مقتضای مصالحشان رهنمود می کند .</p> <p style="text-align: right;">نقش دولت در امور اقتصادی :</p> <p>۱ ایجاد امنیت اجتماعی ۲ گسترش عدالت ۳ توسعه و عمران و آبادانی کشور ۴ حمایت از حقوق فردی و اجتماعی ۵ دفاع از قلمرو مدینه در مقابل هجوم دشمنان ۶ جلوگیری از ظلم و ستم بیگانگان ۷ حفظ مصالح عمومی جامعه ۸ تامین اسباب معیشت جامعه</p> <p style="text-align: right;">تمدن :</p> <p>تمدن عبارت است از اجتماع انسانها و تقسیم همه امور و مشاغل بین آنها تا به واسطه آن مطلوب نهایی که</p>	<p style="text-align: center;">ابوعلی مسکویه</p>

بقا و زندگی برتر است تامین شود .

تعاون و اندیشه تعاونی :

با تعاون مدنیت کامل و معاش انسان تامین می شود .

انواع مشارکت مدنی :

۱ مشارکت بدوی (معطوف به معاش)

همکاری و همیاری انسانها برای تامین حداقلی از ضرورت‌های اولیه زندگی . البته مسکویه این نوع مشارکت را بی ثبات و زوال پذیر می دانست زیرا در صورت وصول ضرورت‌های اولیه زندگی انگیزه مشارکت فردی و جمعی از بین می رود.

۲ مشارکت عقلی

مسکویه : انسان به سبب گستردگی نیازهای خود از عقل مدد یافت تا به کمک آن همه چیز را به استخدام در بیاورد و با تصرف در آنها به حاجات خود برسد.

۳ مشارکت فضیلت محور

شهروندان به ابعاد معنوی و نیازهای روحی توجه دارند و تعاون و همکاری آنها با یکدیگر و با حکومت برای رسیدن به فضایل و ارزشهای انسانی و دفع شر و زشتی ها از جامعه است.

۴ مشارکت معطوف به توسعه

جامعه که توانایی های مشارکتی اعم از تعاون در تامین ضرورت‌های زندگی ، توسعه مادی و فضایل معنوی را داشته باشد و آنرا در جهت پیشرفت جامعه بکار بگیرد آن جامعه توسعه یافته است .

مصرف :

مصرف روحانی : مصرفی که سبب تعامل و تکامل روح می شود .

مصرف جسمانی : مصرفی که در حد کفاف و ضرورت از کالاها و خدمات باشد .

ارزش مصرفی : خاصیت فیزیکی و شیمیایی کالاهاست در مقابل نیاز انسان .

ارزش مبادله ای : مقدار کاری که برای تولید یک کالا انجام می شود و در مقابل آن کالا با کالای دیگر مبادله می شود .

مسکویه به مفهوم ارزش توجه داشته که همه افراد به دلیل ارزش مصرفی کالا و خدمت کار تولیدی انجام میدهند و این یک قانون عام است ولی مفهوم ارزش مصرفی برای افراد مختلف متفاوت است .

به نظر مسکویه غرض عقلایی از کسب مال به قدری است که رفع آلام و امراضی چو گرسنگی و برهنگی کند نه لذائذی که خودش الم و درد است .

پول و وظایف آن :

پول ابزار سیاست و تدبیر استقرا عدل است . به این بیان که در مبادلات کالا و خدمت پول وسیله اندازه گیری ارزش و شمارش است .

سه وظیفه پول : ۱ بیان ارزش ۲ سنجش ارزش ۳ حفظ ارزش

شرایط اجرای قانون عدل :

۱ ناموس الهی که عبارت است از قانون شریعت

۲ حاکم عادل که بین مردم حکم میکند

۳ دینار

عدالت :

داد و دهش آن چه که واجب الاعطاست به کسی که واجب است و به همان گونه که واجب است .

عدالت در رابطه با خدا

شکر گزاری - فرمانبرداری - عبادت خدا

عدالت در رابطه با مردم

ادا کردن حقوق و امانت مردم ، رعایت انصاف در معاملات و نیکی کردن در قبال احسان به دیگران

عدالت درباره گذشتگان

عمل کردن به وصیتهای ، تأدیه دیون و رعایت حقوق ایشان

ثمره عدالت

رشد جمعیت و وحدت و الفت میان مردم اجتماع ، آبادانی شهرها ، بهبود در روابط و معاملات و سنتها در فلسفه سیاسی مسکویه عدالت محور اصلی در روابط اجتماعی و سیاسی است زیرا جامعه مطلوب او بر اساس فضیلت است . به نظر وی عدالت همه فضیلت است .

عدالت حد وسط بین ظلم و انظلام است .

ظلم

تحصیل مال نمودن و ثروت پیدا کردن از راه غیر مشروع و تصرف جابرانه در مال و حقوق مردم بدون استحقاق .

انظلام

تمکین نمودن از ظلم ظالم . یعنی شخص خود و مال خود را در معرض اهانت و استیلائی ظالم در آورد که ظالم هرچه خواهد درباره او کوتاهی نکند .

اقتصاد اسلامی :

ارضای نیازهای ضروری انسان در چارچوب قسط الهی تامین کردن .

رشد جمعیت :

از جمله ابداعات بسیار عالییه مسکویه که حدوداً ۸۰۰ سال پس از وی در کتاب تحقیق ثرباره اصل جمعیت مالتوس در سال ۱۷۹۸ م ، ارئه و متاسفانه به نام او ثبت شد نظریه او درباره جمعیت و رشد آن است که نه تنها اثرات کاهش رشد جمعیت را در افزایش رفاه گوشزد میکند بلکه با مثال زیبا چگونگی رشد جمعیت با تصاعد هندسی و اثرات ازدیاد جمعیت را در ایجاد تعادل را بیان می کند .

زندگی نامه و آثار :

بیرونی از خانواده ایرانی و شیعی و تلد شد که تعداد آثار وی به ۱۱۳ عدد می رسد.

او حرکت زمین و قوه جاذبه آن و به کروی بودن و گردش زمین به دور محور خود و گردش سالانه به دور خورشید که ۶ قرن بعد کپرنیک و نیوتن آنرا اثبات کرده بودند اشاره کرده است . شعاع کره زمین را اندازه گرفت و شیب مدار خورشید را نسبت به سطح استوا به صورت دقیق تعیین کرد .

اندیشه های اقتصادی :

کلمه معاش در اصطلاح بیرونی و در آثار وی به معنی متعارف اقتصاد می باشد.

معامله طبیعی : داد و ستد پایاپای بدویان طی جریان اقتصاد که حقیقت نظام در بین متمدنان به این نوع معامله بستگی دارد.

ابوریحان بیرونی

<p>معامله وضعی : به کمک فلزات صورت می گیرد همان مبادلات کالا با پول در میان مردم شهرنشین است .</p> <p>پول و وظیفه آن :</p> <p>پول به عنوان وسیله سنجش ارزش و وسیله ذخیره ارزش می باشد .</p> <p>به عقیده وی باید از طلا و نقره همچون پول به عنوان وسیله مبادله استفاده کرد نه اینکه از آنها گنجینه ساخت و باب بهره وری از آنها را بر روی مردم بست .</p>	
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>یکی از دانشمندان بزرگ شافعی در اسلام می باشد که به علم اجتماع و اصول و قواعد آن توجه خاصی داشته است .</p> <p>مقدمات علوم را از عالمان بصری فرا گرفت و بعد به بغداد رفت و در خدمت شیخ ابوحمادسفراینی رسید و فقه را از وی آموخت و سپس به کار قضا در بلاد بسیاری مشغول گشت که به <u>اقضی القضاة</u> مشهور شد .</p> <p><u>آثار دینی :</u> تفسیر القرآن ، الکنت و العیون ، الحاوی الکبیر ، الاقناع ، ادب القاضی ، اعلام النبوه</p> <p><u>آثار لغوی :</u> الامثال الحکم ، البلغه العلیا فی ادب الدین و الدنیا ، کتاب فی النحو</p> <p><u>آثار سیاسی :</u> قوانین الوزاره و سیاسه الملک ، نصیحه الملوک ، تسهیل النظر و تعجیل الظفر ، الاحکام السلطانیه</p> <p>مهم ترین آثار وی همان آثار سیاسی او می باشد .</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>به نظر وی اشکالی ندارد که فرد بیش از نیاز خود درآمد داشته باشد و آنرا را در طرق پسندیده هزینه کند ولی بدست آوردن پول به خاطر خود پول و در جهت ثروت اندوزی و فخر فروشی را از امور ناپسند می داند .</p> <p>کتاب <u>البلغه العلیا فی ادب الدین و دنیا :</u> تمرکزی بر چگونگی روابط و رفتار اقتصادی مسلمانان دارد .</p> <p>کتاب <u>الحاوی الکبیر :</u> مطالعه ای است تطبیقی از مکاتب مختلف قانون اسلامی پیرامون تقسیم سود . از موضوعات جالبی که در این کتاب مطرح شده است قرار دادی است که بین صاحب کالای سرمایه ای و یک کارگزار که آنرا در فعالیت تولیدی مولد به کار گرفته تا سود حاصله را بین خود تقسیم کند منعقد می شود .</p>	<p>ماورادی ، ابوالحسن عل بن محمد</p>
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>وی ملقب به مشرف الدوله ، رئیس الاطبا ، حجه الحق بود و تالیفات وی تا ۲۳۸ جلد می رسد که کتاب قانون او حدود ۶۰۰ سال از اصول مسلم پزشکی مشرق زمین بوده است .</p> <p><u>ویلیام سلر :</u> قانون ابن سینا انجیل پزشکی است .</p> <p><u>گوستاو لوبون :</u> کتابهای شفا و قانون ابن سینا اوج کلماتی است که اندیشه قرون وسطی به آن دست یافته است .</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>ابن سینا علت پیدایش خانواده را علت اقتصادی می نامد .</p> <p>در یک جامعه هرکس موظف است به انجام دادن کار معین و باید به دنبال یک تولید مشخص باشد تا در این صورت کلیه افراد بتوانند نیازهای ضروری خود را ارضا کنند .</p> <p>پس انداز + مصرف = تولید</p> <p><u>مصرف :</u> مصرف از دید ابن سینا دو قسم است مصرف شخصی و مصرف در راه خیر</p> <p><u>پس انداز :</u> صرفاً جنبه مصرفی دارد به این بیان که پس انداز انجام می شود تا در آینده که انسان با اتفاقات</p>	<p>ابو علی سینا</p>

ناخواسته روبرو شد بتواند خود را تامین کند .

فضیلت صنعت پر تجارت :

ابن سینا مشاغل صنعتی را بر مشاغل تجاری ترجیح می دهد زیرا بیشتر مورد اطمینان و وثوق است چرا که تجارت با مال صورت میگیرد و مال هم در معرض فنا و زوال است . تولید هرگونه کالا و خدمات از نظر ابن سینا صنعت به شمار می رود .

وظایف دولت :

- ۱_ جمع آوری از کار افتادگان و سرپرستی آنان و تکفل مصدومان و معلولان و بیماران از بیت المال
- ۲_ جلوگیری از کارها و مشاغلی که حاصلی از آنها به دست نیاید و یا آبرویی و حیثیتی برای اجتماع فراهم نکند و سودی به کسی نرساند .
- ۳_ اخذ مالیات از مردم برای اداره امور و نیز تنبیه متخلفان از قانون و شرع و گرفتن اموال کسانی که از به قوانین پشت می کنند .
- ۴_ تامین کالاهای مورد نیاز مردم و جلوگیری از فریب کاری و مفت خوری بازرگانان و سوداگران .
- ۵_ تشویق مردم به تعاون و یاری یکدیگر .
- ۶_ ایجاد سازمانهایی برای تعلیم و تربیت بدنی و تشویق مردم برای آموختن اینگونه تعالیم .
- ۷_ ایجاد اشتغال و جلوگیری از بیکاره گردی و بطالت و اخراج کسانی که تن به کار نمی دهند از مملکت .
- ۸_ ایجاد سازمانهای مختلف به منظور اداره بعضی از کارهای صنعتی و سیاسی و مالی .

نیروی کار ماهر :

به کارفرمایان و سرمایه گذاران توصیه میکند که باید کارگر متخصص استخدام کرد و به او امنیت شغلی و اطمینان داد وگرنه انتقال کارگری از حرفه ای به حرفه دیگر سبب فساد در امور و تباهی است.

زندگی نامه و آثار :

در قرطبه واقع در اسپانیا یا اندلس آن زمان چشم به جهان گشود . دیدگاه واضحی درباره مسئولیت جمعی در جامعه اسلامی را دارد . دورانی که وی می زیست در واقع دوران بحران های عظیم در اندلس اسلامی بود ابورافع فرزند ابن حزم اعلام کرد وی ۴۰۰ اثر بالغ بر ۸۰۰۰۰ صفحه آثار دارد که امروز متأسفانه فقط ۴۰ عنوان اثر او در دسترس می باشد .

اندیشه های اقتصادی :

وی به چهار حوزه به کلی پرداخته است که عبارت است از :

- ۱_ نیازهای اساسی فقرا ۲_ زکات ۳_ مالیات ها ۴_ نظامهای مالکیت های ارضی
- نیازهای اساسی فقرا :

به عقیده وی نیازهای اساسی بشری و استاندارد های زندگی عبارتند از : خوراک ، پوشاک ، نوشیدنی ، سرپناه مسکن

وی دولت را مسئول برآورده کردن نیازهای اساسی مردم می داند و اغنیا را موظف بر برآورد کردن نیازهای فقرا می داند .

زکات :

به عقیده وی اگر کسانی که توانایی پرداخت زکات را دارند از پرداخت آن خودداری کنند بر دولت اسلامی لازم است که چه از طریق مسالمت امیز و چه از طریق اجبار این مالیات را دریافت کند و چنانچه پرداخت

ابن حزم

<p>کننده زکات از آن اجتناب ورزد حتی علی او جنگ کند . <u>مالیت ها :</u> به عقیده وی پیش از آنکه هر نوع مالیات وضع شود باید مصالح مردم در نظر گرفته شود زیرا این مردم هستند که پرداخت کننده مالیات می باشند . <u>نظامهای مالکیت ارضی :</u> وی معتقد است که مزارعه (نوعی مشارکت در محصول که سهمی از قیل تعیین شده برای صاحب زمین تعیین می کند) از نظر قوانین اسلامی غیر معتبر است . از این حزم نقل شده است که : ضروری است که هر فرد در درجه ائله خودش در زمین زراعی کار کند و اگر قادر به این کار نبود باید آن زمین را بدون اخذ هر گونه اجاره بها یا پولی به فرد دیگر واگذار کند در نهایت اگر این چنین امری هم امکان پذیر نبود زمین زراعی باید بدون استفاده باقی بماند .</p>	
<p><u>زندگی نامه و آثار :</u> حوزه حکومت ایران را چنان وسیع کرد که در کل این هزار و چهار صد سال تاریخ اسلام نظیر آن دیده نشد اندیشه های او در سیاست بیشتر مأخوذ از تجارب علمی خود او در سیاست و نیز در برخی از اصول سیاست اسلامی به ویژه بر پایه فقه شافعی و اصول عقاید اشعری بوده است . سه اثر مهم وی عبارت است از : سیاست نامه (سیرالملوک) ، دستورالوزراء (وصایای خواجه نظام الملک) ، سفرنامه <u>اندیشه های اقتصادی :</u> به خوبی از هم پیوستگی سه عامل رفاه ، بهره وری ، کارایی آگاهی داشت . در حالت کلی مراقبت از رفاه جامعه را باعث افزایش بهره وری مورد انتظار و سطح کارایی آن می دانست . به صراحت دخالت دولت در بازار را به منظور تامین مصرف کنندگان مطرح می کند . دولت باید به کمک افراد تنگ دست بشتابد و در جهت حمایت از آنها قدم بردارد و درآمدهای حاصله را دولت باید در کالاهای عمومی هزینه کند و باید به این نکته عنایت داشته باشد که خزانه دولتی به عموم مردم تعلق دارد . <u>نظریه مالکیت :</u> در اسلام مالکیت مطلق زمین متعلق به رئیس حکومت نیست بلکه متعلق به خود حکومت است در حالی که نظام الملک اعتقاد دارد این مالکیت متعلق به رئیس حکومت است . <u>پراپری اجتماعی :</u> افراد در داخل حکومت اسلامی بدون توجه به شأن و منزلت و قدرت شان از فرصت های برابری با دیگران برخوردار باشند به عقیده وی مساوات در فرصت های اقتصادی شرط لازم برای دستیابی به برابری اقتصادی است .</p>	<p>خواجه نظام الملک ملوسی</p>
<p><u>زندگی نامه و آثار :</u> مباحث اقتصادی مطرح شده از سوی غزالی از نقطه نظر اخلاقی مطالعه می شود بنابراین بیشتر تحلیل های غزالی عموماً هنجاری است نه اثباتی . غزالی آثار فراوانی دارد که مهمترین این ها <u>احیاء علوم الدین</u> است .</p>	<p>امام محمد غزالی</p>

اندیشه های اقتصادی :

تاکید خاصی بر گوناگونی فعالیت های اقتصادی دارد . تحلیل وی شامل تقسیم کار بین صنایع و داخل صنایع می شود . وی هم چنین مفهوم هزینه های اجتماعی و پیامدهای جانبی را بررسی کرده است . اگر فعالیت های اقتصادی به اندازه ای مورد تاکید قرار گرفته که آنرا عبادت دانسته اند پس فراگیری علم آن عبادت نیز امری لازم و ضروری است .

شاخص های روزمره اقتصادی :

بیع - ربا - سلم - اجاره - مشارکت - مضاربه

تحلیل اقتصادی غزالی بر این فلسفه بنیان شده که دست آوردهای اقتصادی در حقیقت بدون آنکخ خود هدف باشند وسیله برای رسیدن به یک هدف والاتر خواهند بود و ثروت وسیله ای برای رستگاری در جهان آخرت است . به عقیده وی بازار دنیا نباید مانع توجه فرد به بازار آخرت شود بدان معنا که توجه به فعالیت های اقتصادی نباید مانع انجام دادن وظایف دینی افراد شود .

تعریف ذکر :

تسبیح خدای متعال

تعریف تقوا :

توجه به محدودیت ها و امکاناتی است که خداوند در مسائل اقتصادی قرار داده است .

فقر و راه های ریشه کن کردن آن :

غزالی فقر را در نتوانی برآورد کردن نیازهای فردی تعریف می کند .

راه حل های حل مسئله فقر : ۱_ کار و فعالیت برای کسب معاش ۲_ پرداخت های انتقالی مانند زکات

فعالیت های زیان رسان :

هر عملی که باعث وارد شدن زیان به دیگران شود را ظلم میدانند. به عقیده وی برای برقراری عدل باید شخصی وجود داشته باشد که جلوی ظلم را بگیرد .

فعالیت های زیان رسان دو قسم است : ۱_ فعالیتی که باعث ایجاد ضرر و زیان به عموم مردم شود ۲_ عملی که طرف مقابل را تحت تاثیر عمل سوء قرار دهد .

احتکار :

عبارت است از افزایش قیمتها با ایجاد بحران مصنوعی و کاذب در بازار .البته ذخیره کردن بدون وارد کردن ضرر و زیان به دیگران جایز است .

پول :

فی نفسه هیچ ارزش و منفعتی ندارد ، بلکه فقط وسیله مبادله و مقدمات رسیدن بشر به کالاها و خدمات می باشد . وظایف پول عبارت است از : واحد سنجش ارزش و وسیله مبادله . احتکار پول مانند محبوس کردن حاکم یک کشور است به نحوی که نتواند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد و پول به دو شکل احتکار می شود : ۱_ پول ۲_ طلا و نقره . غزالی اشاره ای به وظیفه ذخیره ارزش پول ندارد این کار را احتکار می داند و این وظیفه پول را وظیفه ای نامطلوب قلمداد می کند .

ویژگی های بازار اسلامی :

- ۱_ دوری از احتکار
- ۲_ دور بودن از تبلیغات و ترویج معاملات غری
- ۳_ سود عادلانه
- ۴_ عدم وجود غش
- ۵_ رفتار عقلی و عرفی فروشنده و مشتری
- ۶_ وجود مسامحه و امهال و قرض دادن
- ۷_ وجود معرفت حقیقی به اموال و کالاها و قیمت‌ها
- ۸_ وجود مکانی خاص از اهتمام و رعایت برای کالاهای ضروری
- ۹_ عدم وجود فرصت برای معاملات حرام
- ۱۰_ محتسب (ناظر) از هر انحرافی جلوگیری می کند

وظایف دولت :

- ۱_ نظارت بر بازار
- ۲_ تهیه سپاه برای نگهداری از شهر
- ۳_ قضاوت و پایان دادن به خصومتها
- ۴_ برآورد کردن نیاز مردم به فقه و قانونی که مردم پایبند ان باشند
- ۵_ انجام دادن عملیات تعلم و تعلیم علم
- ۶_ تامین معاش چهار گروه : عباد - عرفا - علما - قضات
- ۷_ نظارت بر بنگاههای اقتصادی

وظلیفی که غزالی برای دولت می داند جامع تر از وظایفی است که اسمیت برای دولت در نظر گرفته زیرا در آن حس تعاون و همکاری ، ارفاق و کمک به هموعان به طور کامل رعایت می شود .

مصرف :

به اعتقاد وی مصرف به خودی خود هدف نیست بلکه وسیله ای است برای رسیدن به اهداف دیگر . باید در مصرف میانه روی را در پیش گرفت یعنی نباید اسراف کرد و نه کم مصرفی و امساک .

فصل چهارم

آراء و عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان در قرون ششم و

هفتم هجری قمری

خواجه نظام الدین طوسی

ابن تیمیّه

ابن القيم جوزی

عقاید و تفکرات و نظریات	نام اندیشمند
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>در طوس ولادت یافت . بعضی را عقیده بر آن است که بعد از معصومین جهان بشیت چنین شخصیت تمام بُعدی ندیده است . علامه حلی می گوید : طرسی در علوم عقلیه و نقلیه افضل الناس بود و در تالیفات و تصنیفات بحری مواج .</p> <p>تالیفات او به فارسی و عربی بیش از ۱۶۰ جلد کتاب است .</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>یکی از کارهای جالب و بدیع خواجه ، بیان محتوای اقتصادی بسیاری از واژه های اخلاقی اسلامی است .</p> <p>مواسات :</p> <p>کمک و مساعدت به دوستان و آشنایان و مستحقان است در امر معیشت و شریک کردن ایشان در اموال و دارایی خود .</p> <p>قناعت :</p> <p>به مصرف کالاها و خدمات ضروری در حدّ ضرورت اطلاق می شود .</p> <p>حریت :</p> <p>کسب مال و دارایی از مشاغل حلال و مناسب و مصرف آن در امور جایز .</p> <p>الف :</p> <p>اتفاق آراء و عقاید در کمک و مساعدت به دیگران در امر معیشت ایشان .</p> <p>صله رحم :</p> <p>مشارکت دادن اقوام و خویشاوندان و وابستگان در اموال و دارایی های خود .</p> <p>عدالت :</p> <p>استقرار عدالت قلب اقتصاد است و سایر مسائل اقتصادی اندام و اعضای فرعی اقتصاد است . بحث استقرار عدالت به سه دسته تقسیم می شود : ۱_ محو روابط استثماری در انباشت ثروت و اموال ۲_ محو روابط استثماری در مبادلات ۳_ محو روابط استثماری در اعمال کیفر و مجازات یا اعطای پاداش و اعمال تشویقات .</p> <p>به منظور ایجاد تعادل اقتصادی باید روابط استثماری را از بین برد .</p> <p>اسقرار قسط بین مردم :</p> <p>۱ - اهل قلم که کلیه متفکران و متخصصان و دانشمندان را شامل می شود .</p> <p>۲ - نظامیان .</p> <p>۳ - بازاریان و اهل داد و ستد .</p> <p>۴ - کارگران .</p> <p>استقرار قسط بین توزیع کنندگان :</p> <p>۱ - استحقاق : هرکس باید به اندازه کاری که انجام میدهد مزد دریافت کند .</p> <p>۲ - استعداد : اگر دست کسی کمتر از حد متعارف وی باشد باید کمبود مذکور را دولت جبران کند .</p>	<p>خواجه نظام الدین طوسی</p>

مخارج :

وی درآمد را به دو قسمت پس انداز و مصرف تقسیم میکند و مصرف را به نوبه خود به دو بخش مصرف خود و مصرف محرومین تقسیم می کند. در باره مصرف محرومین سه نوع صدقه وجود دارد :

- ۱ - صدقاتی که پرداخت آن الزامی است (زکات)
- ۲ - صدقاتی که پرداخت آن مستحب است (هدایا)
- ۳- صدقاتی که ضرورت‌های اتفاقی پرداخت آنرا الزامی میکند (آنچه در خانه تکانی از منزل خارج می کنند)

تقسیم کار :

- ۱ - شخص به تنهایی قادر نیست کلیه یا بخش عمده ای از مایحتاج خود را به تنهایی و بدون کمک دیگران در جامعه تولید کند.
- ۲ - انگیزه سودجویی نبوده است که تقسیم کار را به وجود آورده است بلکه نیاز به تعاون سبب پیدایش آن بوده است .
- ۳ - در تقسیم کار که بر پایه تعاون استوار است مبادله مازاد بر مصرف شخصی با یکدیگر بر پایه عدالت و محو اثماری یکی از دیگری انجام شود .

نتایجی که ۵۰۰ سال قبل از اسمیت و کارل ماکس خواجه به آن رسیده عبارت است از :

- ۱ - در تولید اجتماعی جامعه تقسیم کار امری ضروری است .
- ۲ - ارزش مبادله کالا بر اساس مقدار کاری که برای تولید آن انجام شده است مشخص می شود .
- ۳ - وظایف پول : وسیله مبادله / وسیله شمارش .

قانون حداقل مقیاس :

در اقتصاد امروز گفته می شود که بسیاری از کالاها و خدمات را نمی توانیم به هر مقدار دلخواهمان است تولید کنیم و مجبور هستیم که یک حداقل مقیاس را در آن مورد توجه قرار دهیم . با جرأت می توان گفت که کاشف این قانون برای اولین بار جناب خواجه طوسی بوده است .

وظایف سه گانه پول :

- ۱ - وسیله مبادله : وظیفه مبادله بین واحدهای تولید کننده جامعه را تسهیل می کند .
- ۲ - وسیله شمارش : وظیفه تعداد ارزشی را که یک طرف مبادله می پردازد یا ارزشی را که دریافت می کند شمارش می کند .
- ۳ - وسیله حفظ ارزش : پول می تواند ارزشی را که امروز تولید کننده به وجود آورده را برای مدتی که پول دوام دارد حفظ کند .

مشخصات پول از نظر خواجه طوسی :

- ۱ - همه پذیر باشد (طلا)
- ۲ - فاسد نشدنی باشد
- ۳ - از نظر وزن سبک باشد
- ۴ - قابلیت خرد شده به قطعات کوچک تر را داشته باشد
- ۵ - استحاله پذیر نباشد .

درآمد :

وی درآمد را به دو قسمت تقسیم کرده است :

- ۱ - درآمد هایی که به کفایت و تدبیر و مهارت بستگی دارد و ناشی از فعالیت‌های اقتصادی است .
- ۲ - درآمد هایی که چنین بستگی در آنها وجود ندارد و ناشی از فعالیت اقتصادی نیست .

سرمایه گذاری و شرایط آن :

بدون سرمایه گذاری نمی توان مال اقتصادی را حفظ کرد مشخصات پس انداز کردن جهت سرمایه گذاری عبارت است از :

- ۱ - اختلالی به معیشت اهل منزل راه نیابد .
- ۲ - اختلالی به دیانت و عرض راه نیابد .
- ۳ - مرتکب رذیلتی مانند بخل و حرص نشود .

شرایط سرمایه گذاری :

- ۱ - خرج با دخل مقابل نباشد بلکه کمتر باشد .
- ۲ - سرمایه گذاری در رشته هایی که تولید مستقل ندارد مانند صنایع وابسته را که در ادامه تولید ان به اداره بیگانه بستگی دارد منع کردن .
- ۳ - رواج کار طلب بوده و سود متواتر داشته باشد هر چند اندک .

عوامل تولید :**ماده :**

کلیه عناصر طبیعت مانند گیاه و آب و معدن و مواد خام . همپراز گرفتن ماده با زمین صحیح تر به نظر می رسد تا مواد خام .

آلت :

کلیه عناصر ساخت انسان و الله است که به گونه ای قوای انسان را در انجام دادن وظایف خود کمک می کند .

خدمت (کار) :

به دو دسته تقسیم می شود ، کاری که نفس کار هدف نهایی ارائه دهنده ان است و کاری که نفس کار هدف نهایی ارائه دهنده آن نیست بلکه ارائه دهنده کار به دنبال نیل به هدفی معین ، کار را در اختیار قرار داده است .

اندیشه های اقتصادی :**ابن تیمیه**

هنگامی که به بررسی مسائل مربوط به قیمتها در بحث های ابن تیمیه می پردازیم به دو اصطلاح بر می خوریم عوض المثل یا جبران معادل و ثمن المثل یا قیمت معادل .
عوض المثل با استفاده از یک شیء اندازه گیری و ارزیابی خواهد شد و این دقیقاً جوهر عدل محسوب می شود . وی معتقد است که قیمت المثل قیمتی عادلانه محسوب می شود . در خواست جبران معادل یا عوض المثل زمانی مطرح می شود که بحث پیرامون عدم انجام دادن تعهدات و وظایف اخلاقی و قانونی مرتبط با کالاها مطرح باشد .

حالتهای عوض المثل :

- ۱ - هنگامی که مسئولیت ایجاد ضرر و خسارت به نفوس ، اموال ، منافع بر عهده شخص است .
- ۲ - هنگامی که شخص مجبور می شود تا کالاها و منافع معادلی را باز پرداخت کند و یا جبران خسارتی را نماید که بر برخی اعضای بدن وارد کرده است .
- ۳ - هنگامی که از شخص خواسته شود تا قراردادهایی را برای پرداخت خسارت به خاطر وارد کردن عیب و نقصی بر جان و مال یک فرد منعقد سازد .

تفاوت بین قیمت المثل و عوض المثل :

مقادیر تعیین شده در قرار دادها به دو دسته تقسیم می شود : اول مقادیری که مردم با آن آشنایی دارند و به آن خو گرفته اند که به عنوان جبران های عادی شناخته می شود . دوم مقادیری وجود دارد که برای مردم شناخته شده نیست و در حقیقت نادر است که ناشی از رغبت یا عوامل مختلف دیگری اند که آنرا قیمت المثل می نامند .

عوض المثل :

پدیده ای نسبی و با دوام است که ناشی از عرف و آداب مستقر در جامعه است .

قیمت المثل :

متغیری است که با عرضه و تقاضا مشخص شده است و تحت تاثیر خواسته ها و رغبت های مردم قرار می گیرد .

دستمزد عادلانه :

او هنگام اشاره به این مسئله اشاره ای به قیمت گذاری در بازار نیروی کار دارد (تسعیر اعمال) و از آن به عنوان اجرت المثل یاد می کند . معتقد است هنگامی که دستمزدها و قیمتها نامشخص است و نامطمئن اند یا قابل رویت نیستند یا اینکه نوع آنها مشخص نیست در این هنگام نوعی عدم اطمینان و قمار پیش می آید در تعیین اجرت المثل می گوید که : اگر اجرت المسمی مقرر شده باشد اجرت المثل نیز بر حسب اجرت المسمی (اجرت مظنه دار) تعیین می شود ، به این معنا که دو طرف معامله مانند فروش مواد خام و استخدام اجیر ، ثمن المسمی را مانند اجرت المثل مقرر می دارند .

سود عادلانه :

فروشنندگان سود خود را در حد متعارف (الربح المعروف) و بدون وارد آوردن هر نوع خسارتی بر خود و منافع خریداران به دست می آورند . از آنجا که سود بخشی از قیمت است ، لذا تحلیل های ابن تیمیه پیرامون آن به همراه تحلیل های قیمت مطرح شده است . سود به عنوان مخلوق همزمان کار و سرمایه قلمداد می شود ، فلذا صاحبان هر یک از این دو عامل تولید می توانند سهمی از سود به دست آمده را به ود اختصاص دهند .

هدف از وضع قیمت عادلانه :

برقراری عدالت در رفتار جمعی افراد و دیگر ارتباطات بین اعضای جامعه بوده است که زمامداران را قادر می سازد تا با استفاده از این دستورالعمل مردم را در مقابل هرگونه استثمار حمایت نماید .

مکانیسم بازار :

افزایش یا کاهش قیمتها تنها به دلیل به عدالتی و ظلمی که برخی از افراد مرتکب می شوند اتفاق نمی افتد بلکه گاهی اوقات عدم کارایی در تولیدات و یا کاهش واردات مالاھی نورد تقاضا نیز از جمله دلایلی هستند که باعث افزایش و کاهش قیمتها می شوند . در زمان این تیمیه عقیده عمومی بر این بود که بی عدالتی و اعمال ناصحیح فروشنندگان است که باعث افزایش قیمت ها می شود .

عرضه : تولید محلی / واردات کالاهای تقاضا شده.

تقاضا : رغبه فی الشیء که به معنای میل به چیزی مثل کالا است .

در کتاب الحسبه الاسلام آورده است که اگر مردم کالاهای خود را بدون هیچ بی عدالتی و در طریق صحیح بفروشند و در همان حال افزایش قیمتی نیز به دلیل کاهش عمومی کالاها (قله الشایع) یا افزایش جمعیت (کثره الخلق) اتفاق بیفتد در این صورت این افزایش قیمت از جانب خدای متعال صورت گرفته است .

تنظیم قیمت :

هدف از تنظیم قیمت رسیدن به قیمت منصفانه و توانمند کردن مردم در تامین نیازهای اساسیشان است . تثبیت قیمت ناعادلانه و نامعتبر حالتی است که در آن افزایش قیمت در پرتو تعامل آزادانه نیروهای بازار رقابتی ، یعنی کمبود عرضه و افزایش تقاضا رخ دهد . اجبار مردم به فروش کالاهایی که مجبور به فروش آنها نیستند و یا محدود کردن آنها از فروش کالاهایی که مجاز به فروش آن هستند نوعی بی عدالتی است و بی عدالتی نیز خلاف قانون است . وی معتقد به از بین بردن عوامل انحصار در بازار بوده و لذا مخالف هرگونه تبنانی بین گروه های مختلف خریدار و فروشنده و افراد حرفه ای است و تولید کنندگان را به تولید کالاهای همگن تشویق می کند . ابن تیمیه در موارد ضروری مانند قحطی به دولت پیشنهاد می کند که دست به تثبیت قیمت زده و فروشندگان را مجبور به فروش کالای ضروری مانند مواد غذایی کند .

تنظیم قیمت در موارد نقص بازار :

اگر صاحبان کالاها از فروش کالاهای خود جز با قیمتی بالاتر از قیمت معمول و متعارف خودداری کنند و در همان حال نیز مردم به چنین کالایی محتاج باشند لازم است چنین فروشندگانی کالای خود را به قیمت المثل به فروش برسانند . مثال کامل نقصان در بازار همان انحصار در مواد غذایی و امثال آن است . وی فروشندگان را از توافق جمعی بر سر تعیین قیمت بالا باز می دارد و خریداران را نیز از تشکیل جبهه واحد برای پایین آوردن قیمتها یعنی حالت شبیه خریداران انحصارگر نیز حذر می دارد .

مشاوره برای تعیین قیمت :

به عقیده وی بر امام (حاکم زمان) لازم است که نشستی با افراد سرشناس بازار (وجوه اهل السوق) داشته باشد و افراد ذی نفع دیگری نیز باید به این جلسه فراخوانده شوند تا از نظرات آنان نی زآگاهی حاصل شود و پس از مذاکرات و تحقیقات لازم پیرامون فروش و وضعیت فروشندگان قیمتی پیشنهاد شود . نهایت آنکه بدون رضایت و موافقت تثبیت قیمت حاصل نمی شود .

نتایج منفی تثبیت قیمت که مورد رضایت عامه مردم نمی باشد عبارت است از :

- ۱ - بازار سیاه
- ۲ - بازار خاکستری
- ۳ - پایین آمدن کیفیت کالاهای فروخته شده

پول و وظایف آن :

دو وظیفه مهم پول عبارت است از : سنجش ارزش / واسطه مبادله

هدف از خلق پول و سکه ها مصرف آنها نیست بلکه خرید کالاهاست به ایت معنا که پول و سکه واسطه مبادله اند . اعتقاد داشت ارزش ذاتی سکه ها همانن ارزش فلزی آن است که باید با قدرت خرید آن در بازار مطابقت داشته باشد به گونه ای که هیچ کس من جمله حاکم نتواند با ذوب کردن سکه ها و فروش فلز آن و یا تبدیل فلزات به سکه و به جریان انداختن آن سودی عاید خود کند .

نتایج تجارت پول از دید ابن تیمیه :

- ۱ - باعث تشویق تقلب گشته و باعث می شود مردم اعتماد خود را نسبت به پول از دست بدهند که نتیجه چنین کاری تورم است .

- ۲ - فقدان اعتماد به ثبات ارزش پول سبب عدم عقد قراردادهای بلند مدت می شود و این امر نیز باعث ظلم به مردم می شود .

- ۳ - تغییرات آزاد پول و نرخ بین سکه ها سبب ممانعت از تجارت داخلی می شود .

- ۴ - کاهش آزادانه ارزش پول تجارت خارجی را نیز با مشکل مواجه می کند .

قانون گرشام در نظرات ابن تیمیه :**قانون گرشام :**

هنگامی که دو سکه ارزش اسمی برابر دارند ولی از فلزات با ارزش غیر برابر ساخته شده اند و به صورت همزمان در جریان قرار می گیرند پول ارزان تر باعث خواهد شد تا پول گران تر از گردش خارج شود . ابن تیمیه در این زمینه عقیده دارد اگر سکه های قدیمی خاصیت پول بودن خود را از دست بدهند با این پول ها دگر بسان کالاهای که زمانی خاصیت پولی داشته است رفتار نخواهد شد از سویی دیگر مردم با استفاده از پول جدید قیمت پایین تری برای کالاهای خود دریافت خواهند کرد.

وظایف دولت :

- ۱ - وظیفه دولت تنها با برآورد کردن درآمد بخور و نمیر و سطح زندگی حداقل پایان نمی پذیرد بلکه ضروری است دولت برای شهروندان خود سطح زندگی خوبی فراهم آورد و آنها را در راه استقلال یاری کند .
- ۲ - باید بین افراد مستحق و غیر مستحق تمایز قائل شد و عدالت در توزیع ابزار معاش و خدمات عمومی را نیز مراعات کرد .
- ۳ - دولت باید پول را از جایی که لازم است جمع آوری کرده و در جایی که درست و عادلانه است قرار دهد و هیچ مستحقی را از این حق محروم نکند .
- ۴ - تثبیت دستمزدها از آن جهت از وظایف ضروری دولت است که علت اختلاف بین کارگران و کارفرمایان بر سر دستمزدهاست .
- ۵ - دولت باید بیکاری را از بین برده و برای کسانی که توانایی انجام کار را ندارند و یا نمی توانند شغلی پیدا کنند مشاغلی مهیا کند .
- ۶ - دولت موظف به کنترل گسترش حجم پول و کم ارزش شدن پول است که هر دو از عوامل بی ثباتی اقتصادند .

برنامه ریزی اقتصادی :

برنامه ریزی اقتصادی مانند بسیاری دیگر از مفاهیم ، مفهومی است مدرن . اگر عملکرد آزاد بازار به بیراهه رود و به این صورت از تامین کالاهای مورد نیاز مردم طفره روند ، در آن صورت از وظایف دولت است که عرضه کالاها را به میزان کافی صورت دهد و این امر زمانی اتفاق می افتد که دولت نظارت کافی بر عملکرد اقتصاد داشته باشد . دولت مسئول برآورد کردن نیازهای روحی و مادی است و همین دولت باید برای انجام دادن چنین وظایفی برنامه های لازم را مدنظر قرار دهد و اجرا کند .

بنیاد حسبه و وظایف آن :**تعریف ابن تیمیه :**

هدف از حسبه امر به معروف و نهی از منکر در بخش هایی است که اقتدار دولت مردان ، قضات و دیگر مقامات در آنجا جریان نداشته و یا در دسترس نیست . محتسب وظیفه داشت تا بر رفتار اجتماعی ، اعمال دینی و فعالیت های شهری افراد نظارت داشته باشد .

وظایف محتسب :

- ۱ - عرضه و تدارک کالاهای ضروری .
- ۲ - نظارت بر صنایع که مهم ترین وظیفه وی استاندارد کردن تولیدات بود .
- ۳ - نظارت بر خدمات و بخش های تجاری .

- ۴ - وظیفه شهرداری نیز بر عهده محتسب بود .
 - ۵ - ایجاد نظم در نماز جمعه و دیگر نمازهای جمعی .
 - ۶ - راستگویی و بازپرداخت امانات .
 - ۷ - جلوگیری از اعمال سوء مانند دروغگویی ، تزویر ، معیارها و موازین نامناسب در صنایع ، تجارت و مسائل دینی و غیره .
- گزینہ های ۵ و ۶ و ۷ جزء وظایف دینی محتسب می باشد .

درآمد :

درآمدهای بیت المال را به سه گروه تقسیم می کند :

- ۱ - گروه فی ء / زکات ، غنائم ، خمس
 - ۲ - منابع درآمدی / مانند اموال بی وارث
 - ۳ - درآمد هایی که بدون اجازه و داشتن حقی گرفته شده است
- درآمدهای تولید بر اساس کتاب و سنت عبارت است از :
- غنیمت : جزء آن دسته از اموالی است که پس از جنگ از غیرمسلمان گرفته شده است و این منبع درآمد در سوره انفال مورد اشاره قرار گرفته است .
- زکات : صدقات در حقیقت زکاتهایی اند که بر اموال مسلمین وضع شده اند . زکات مانند نماز حق مردم و حق خداست .

هرچه مقدار نیروی کار که در کسب درآمد دخیل است بیشتر باشد نرخ زکات پایین تر خواهد بود و برعکس . پیرامون مسئله پرداخت پول به جای کالا در میان فقهای اسلامی و محققان سه گرته نظریه وجود دارد : مکتب حنفی بدون هیچ شرطی اجازه آنرا صادر می کند / مکتب شافعی به طور کلی آنرا رد می کند / این تیمیه بین این دو حالت ، حالت میانه ای را انتاب می کند .

درآمدهای فی ء :

- ۱ - جزیه که بر مسیحیان و یهودیان وضع می شود .
 - ۲ - خراجی که دشمنان می پردازند .
 - ۳ - هدایایی که به رئیس حکومت پرداخت می شود .
 - ۴ - درآمدهای گمرکی و عوارضی که بر تجار کشورهای دشمن وضع می شود .
 - ۵ - جرایم مالی .
 - ۶ - خراج .
 - ۷ - اموال بی صاحب و بی وارث .
 - ۸ - سپرده ها .
 - ۹ - بدهی ها و اموال غصب شده ای که صاحبان آنها ناشناخته است .
- ابن تیمیه بر خلاف دانشمندان اسلامی درآمد دولت را را به زکات و دیگر درآمدهای شناخته شده محدود نمی کند ، بلکه اگر نیاز باشد درها بر روی دیگر مالیات ها نیط گشوده است .

بودجه بندی و مدیریت منابع مالی :

به عقیده ابن تیمیه حاکم با استفاده از تجارب خود و دیگران ، در امر ساماندهی نهادهای مالی و کنترل کالاهای عمومی آزاد است و اختیارات کاملی دارد . همچنین در همه شرایط لازم است افرادی مطمئن و توانا برای این هدف برگزینند .

مخارج عمومی :

مسئول حکومت در قبال درآمدهای عمومی هیچ حقی بیشتر از یک شهروند عادی ندارد . مهم ترین مخارج عبارتند از :

افراد نیازمند و فقیر / حفظ و آمادگی نیروهای نظامی برای جهاد و دفاع / حفظ نظم و قوانین داخلی / بازنشستگان و حقوق کارگزاران حکومتی / تعلیم و تربیت زیر ساخت های کشور / هزینه وزرای حاکم و کارگزاران حکومتی .

نکته مهم آن است که درآمدهای فیء باید در هر پروژه رفاهی هزینه شود .

اندیشه های اقتصادی :

اندیشه های اقتصادی وی را می توان به پنج قسمت تقسیم کرد :

۱ - عقاید وی پیرامون فلسفه اقتصادی اسلام

۲ - مقایسه و تضاد بین فقر و غنا

۳ - اهمیت اقتصادی زکات

۴ - بهره ، ربای فضل و ربای نسیه

۵ - مکانیسم بازار و تنظیم قیمتها

پیام طبیعی کذب و دروغ فساد است . فساد و تباهی همان گونه که به ضرر حیات اقتصادی اند دیگر وجود زندگی دنیوی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد .

تعاون ، همکاری ، تقسیم کار :

همه ابناء بشر یک واحد را تشکیل می دهند که لازم است با یکدیگر همکاری داشته باشند وی معتقد است به تکثر و گوناگونی ابناء بشر همین تکثر و گوناگونی است که ضرورت همکاری و تقسیم کار را ایجاب می کند . اگر افراد اموال خصوصی خود را بر خلاف بخش عمده جامعه به کار بیندازند ، لازم است دولت در اموال خصوصی آنان دخالت کند .

زکات :

هدف از وضع زکات گسترش مهربانی و محبت برادرانه و خیرخواهی است . زکات بر هر نوع اموال وضع نمی شود بلکه برای اموالی وضع می شود که قابلیت رشد ، افزایش و بازدهی را دارند . این چهار دسته جزء اموالی

هستند که شامل زکات می شوند : ۱ - گاو و گوسفند و شتر ۲ - غلات و میوه ها ۳ - طلا و نقره

۴ - مال التجار

زکات چهار نرخ متفاوت دارد که عبارتند از : ۲۰٪ و ۱۰٪ و ۵٪ و ۲.۵٪

هرچه اشتغال و درگیری نیروی کار در تولید یا تصاحب این اموال بیشتر باشد ، نرخ زکات پایین تر خواهد بود و برعکس . زکات زمانی باید پرداخت شود که یکسال کامل از مالکیت کالاها گذشته باشد ، اما درباره گنج باید گفت که پس از کشف آن پرداخت زکات می شود و زکات غلات نیز پس از برداشت آنها وضع می شود .

ربا :

ربا به دو دسته جلی و خفی تقسیم می شود . ربای خفی به این دلیل ممنوع شده که جلوی تبدیل شدن آن به ربای آشکار گرفته شود . ربای جلی مانند پرداخت موجلی (مهلت دار) که در دوران پیش از اسلام متداول بود شناخته شده اند . ابن القیم خاطرنشان می سازد که اسلام هیچ تفاوتی بین بهره و ربای اضعاف

مضاعفه قائل نیست و هر دوی آنها را ربای حرام می داند. برابری در مقادیر یا پرداخت با تاخیر ربای فضل و ربای نسیه نامیده می شوند.

وی میگوید در مورد فلزات گرانبها و کالاهایی که قابلیت ربوی شدم دارند هنگامی که در مقابل کالایی از جنس خود مبادله می شوند، باید مبادله و انتقال فیزیکی این کالاها قبل از ترک کان معامله صورت گیرد. دلیل این امر نیز آن است که از پرداخت با تاخیر که عامل اساسی رباست جلوگیری شود. مورد دیگر در مورد مبادله طلا و نقره و یا یک نوع غلات با نوع دیگری غلات (گندم و جو) است که در چنین حالتی تنها پرداخت با تاخیر ممنوع شده است.

قیمت عادلانه :

قیمت عادلانه قیمت متعادل است که توسط حرکت آزاد نیروهای بازار یعنی عرضه و تقاضا تعیین شده است. او در نبود چنین قیمتی پیشنهاد تثبیت قیمت عادلانه را مطرح می سازد. هدف اصلی از برقراری قیمت عادلانه و دیگر موضوعات مربوط به برقراری عدالت است. او در زمانی که نیروهای بازار رقابتی آزادانه عمل می کنند از کنترل قیمتها حمایت نمی کند، بلکه هنگامی معتقد به وضع کنترل است که حالت انحصار یا نقص بازار وجود داشته باشد. چنین اصلی درباره بازار نیروی کار و خدمات نیز صادق است.

حسبه :

حسبه را می توان همچون اعمال کنترل بر مردم تعریف کرد که از طریق این کنترل مردم اعمالی انجام دهند که معروف است و از اعمالی اجتناب ورزند که منکر شناخته شده است. مهم ترین وظایف حسبه :

- ۱ - حصول اطمینان از عرضه و تولید کالاهای ضروری
- ۲ - اداره صنایع، تجارت و دیگر خدمات
- ۳ - بازرسی از موازین و معیارهای تولیدات و کنترل مسائلی مانند احتکار، قمار، اعمال ربوی و دیگر جرائم اقتصادی.

سود عرضه کننده :

وی مخالف تثبیت مقدار مشخصی از سود بدون در نظر گرفتن هزینه تهیه کالا است و به جای آن معتقد است که باید نرخ عقلایی و ثابتی از سود با در نظر گرفتن هزینه عرضه وضع شود.

مزارعه :

مزارعه به این معنا که یکی از طرفین زمین را ارائه کند و طرف دیگر بر روی آن زراعت می کند مانند مضاربه، نوعی از شراکت است. در چنین حالتی هر دو طرف قرار داد در سود و زیان شریک می شوند که لازمه عدالت نیز همین است.

عدالت :

از ضروریات عدالت این است که هر شخصی فرصت برابر در تولید و اشتغال در بازرگانی داشته باشد و دیگر اینکه هیچ کس این حق را ندارد که با ایجاد انحصار، دیگران را از حق تجارت و تولید محروم سازد.

رفاه عمومی :

مصلحت عمومی اشاره به وضع قوانینی دارد که منافع اکثریت مردم را در پی دارد و زمانی وضع می شود که هیچ قانونی در شریعت وجود نداشته باشد. همچنین این قانون باید در تطابق کامل با روح و مقاصد شریعت

فصل چهارم

بوده و منطقی عادلانه و عقلانی باشد و باید در رفع مشکلات عمومی کارایی داشته باشد . به عقیده وی مصالح عامه که همان مصالح اکثریت است بر منافع شخصی ارجحیت دارد که این امر دقیقا در تطابق با روح شریعت است.

فصل پنجم

آراء و عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان در قرون هشتم و

نهم هجری قمری

ابن خلدون

جلال الدین محمد دوانی

نام اندیشمند	عقاید و تفکرات و نظریات
ابن خلدون	<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>در شهر تونس چشم به جهان گشود و بعد از ۷۸ سال در شهر قاهره دیده از جهان فرو بست . تنها کتاب مهمی که از تالیفات ابن خلدون برای ما باقی مانده است کتاب معروف او به نام <u>کتاب العبر</u> است که شامل ۷ جلد می باشد . جلد اول که مقدمه آن شرحی است دقیق درباره شناخت انسان در جامعه های معاصر و گذشته . پنج جلد بعد درباره جهان پیش از ظهور اسلام و نیز جامعه های شرق عالم است . جلد آخر به جوامع غرب عالم اسلام اختصاص دارد .</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>وی به منظور نشان دادن سیاستهای مختلف ، قضایای اقتصادی را به صورت عینی تحلیل کرد و رویکرد عینی خود را از رویکرد (اوتوپسیسم) فلاسفه یونان جدا ساخت . ابن خلدون مسائل اقتصادی را به این جهت که مسائل علم عمران اند و در عمران رخ می دهند بررسی می کند و آنها را حوادثی می داند که به مقتضای طبیعت عمران در جامعه اتفاق افتاده است و چاره ای از آنها نیست . ابن خلدون برای اولین بار تئوری ارزش کار را معرفی کرد . همچنین برای نخستین بار ابن خلدون بود نا آدم اسمیت که نقش را به عنوان ابزار تولید و انباشت ثروت ملل ارائه داد .</p> <p>ابن خلدون پدر علم اقتصاد :</p> <p>ابن خلدون نه تنها نخستین بذره های بارور اقتصاد کلاسیک را در موضوعات تولید ، عرضه و هزینه بر زمین پاشید ، بلکه در طرح مباحث مصرف ، تقاضا و مطلوبیت که مبانی تئوری اقتصاد مدرن را تشکیل می دهند پیشتاز بود .</p> <p><u>نظر شومپیتر در مورد پدر علم اقتصاد :</u></p> <p>من شخصاً با چنین نظری موافق نیستم ، زیرا من هنوز آدم اسمیت را یکی از اندیشمندان بزرگی می دانم که فقط در جایگاه گردآورنده اندیشه های اقتصادی پیشین در زمینه علم اقتصاد کمک شایانی کرده است . او این اندیشه ها را به شکلی جدید و اسلوبی عالی یا بیانی ساده تفصیل شرح داد . با وجود این در مقام مقایسه ابن خلدون بسیار پیشتاز و اصیل تر از آدم اسمیت بود .</p> <p>اقتصاد علت ایجاد اجتماع :</p> <p>ابن خلدون معتقد نیست که انسان طبعاً اجتماعی است و به غریزه اجتماع گرایی اعتقاد ندارد بلکه به غرایز دیگری اعتقاد دارد که آن غرایز بشر را وادار می کند تا با دیگران زندگی کند . این غرایز عبارتند از : نیاز انسان به غذا و غریزه حب ذات . به نظر وی چون بشر قادر نیست به تنهایی احتیاجات خود را برطرف کند به کمک دیگران محتاج است و به این جهت چون نفعش در زندگی با دیگران است به تشکیل جامعه تشویق می شود . یعنی بشر یا باید اجتماع را بپذیرد یا مرگ را .</p> <p>انواع نظام اقتصادی :</p> <p>ابن خلدون بر اساس شیوه های تولید و نوع فعالیت های اقتصادی و کالاهای تولید شده دو گونه نظام اقتصادی را تمیز می دهد : یکی نظام معیشتی و دیگری نظام افزار مندی شهری . ابن خلدون عمران را در مکتب و تمامیت آن به صورت یک حقیقت واحد یکپارچه تلقی می کند که در تحول و تکامل خود به دو صورت صحرا نشینی (دارای اقتصاد معیشتی) و شهرنشینی (دارای اقتصاد افزارمند) ظهور می کند .</p>

صحرا نشینی از لحاظ زمانی مقدم بر شهر نشینی است زیرا در صحرا نشینی فقط نیازهای ضروری انسان تامین می شود ولی در شهر به مراحل برتر از حد ضروری مانند امور تجملی و وسایل ناز و نعمت نیز توجه می شود. ابن خلدون معتقد است اقتصاد معیشتی در مقایسه با اقتصاد افزارمندی شهری ناقص است و در تهیه ضروریات زندگی خود کفایی لازم را ندارد زیرا تامین نیازهای حیاتی خود نیازمند و وابسته به جامعه شهری است. ابن خلدون صنعت را متناسب جامعه شهرنشینی می خواند زیرا معتقد است ساخت جامعه شهری ایجاب می کند که صنایع گوناگونی در جهت رفع نیازهای تجملی و ارضای تمایل به ظرافت و تنوع، ایجاد شود و گروه های کثیری از مردم به سوی آنها روی آورند و در صدد نوآوردی و ابتکار برآیند.

ثروت و قدرت اقتصادی یکی از ارکان تمدن :

به عقیده ابن خلدون ثروت، جمعیت، کار سه فاکتور مهم در توسعه تمدن است. ابن خلدون بین ثروت و تمدن رابطه و تناسبی مستقیم ترسیم می کند. یک دولت در حال رشد، به همان اندازه که ثروت بیشتری داشته باشد می تواند آثار بزرگتر و فوق العاده تر بر جای نهد، مثلاً نموننه هایی که میراث گذشتگان برای ما بر جای مانده حکایتگر این نکته است که هرچه دولت ها ثروتمند تر باشند می توانند آثار بزرگتری را به وجود آورند. ابن خلدون در اهمیت نقش ثروت در تمدن اظهار می دارد که دولت را دو پایه است: سپاه و ثروت. نگهداری سپاه بدون ثروت امکان پذیر نیست، پس پایه دولت بر بزرگترین ستون، یعنی ستون ثروت استوار است. درست است که ثروت در رشد و توسعه تمدن اهمیت فراوان را دارد اما سیاست و قانون اعم از آن است.

آنچه موجب گرد آمدن ثروت می شود عبارت است از :

- ۱ - کار و فعالیتهای دسته جمعی و تخصص در کارها
- ۲ - تجارت و فروش کالای مازاد بر نیاز و احتیاج

ابن خلدون زایش تمدن و حضارت را از اتحاد چند عنصر باهم می داند که این عناصر عبارت است از :

- ۱ - دولت با سیاست مدبرانه و عادلانه
- ۲ - ملت با کار و فعالیت و صنعت و هنرشان
- ۳ - ثروت

علل اقتصادی انحطاط تمدن و دولت :

ظلم و ستم گری :

عدالت موجب رونق یافتن بازار کار، تشویق مردم به فعالیت و کوشش و بالطبع پیشرفت عمران و تمدن بود. ظلم و ستم و تجاوز به حقوق ملت باعث دلسردی و یأس مردم نسبت به کار و در نتیجه تضعیف تمدن و فرهنگ می شود به عقیده او داد چون ترازویی است که بین خلق نظم و نسق ایجاد می کند و مجری این داد و دهش را شخص سلطان می داند و هرگاه ظلم و بی عدالتی در بین ملت رواج یافت به حکم قانون مسلم طبیعت، آن قوم رو به فنایند و مشرف به هلاک.

اشتغال سلطان به فعالیتهای اقتصادی :

به عقیده ابن خلدون وظیفه سلزان ایجاد زمینه و شرایطی است تا کار و تجارت رونق یابد و مردم به داد و ستد و کسب و کار تشویق و از ثمره اموال خود بهره مند شوند و به آن دل گرم باشند و سلزان فقط از مالیاتها و باج ها بهره مند باشد. اگر سلطان تجارت پیشه کند سودی را که باید به ملت برسد از آن خود می سازد که این خود ظلم در حق مردم است.

افزایش مالیات :

یکی دیگر از عواملی که باعث انحطاط و بدبختی می شود افزایش مالیات به نحوی است که مردم از پرداختن آن عاجز باشند و تاجر و کارگر از کار خود سود با اهمیتی کسب نکنند . باید گفت علت عمده افزایش مالیات بالا رفتن رج دربار است ، زیرا دربار نیز مانند سایر مردم به تجمل و اشیاء لوکس عادت می کند و مهمانی های پر خرج می دهد ، عروسی ها و جشن های افسانه ای راه می اندازد .

فقر و انحطاط :

گرچه فقر صد در صد موجب انحطاط نیست اما در سقوط تمئن سهم قابل توجه ای دارد و همچنان که مقدماتی فراهم می شود تا ثروت حاصل شود و بعد ثروت خود بر جلال و شکوه تمدن می افزاید در دوره انحطاط نیز عواملی باعث فقر می شوند و فقر خود باعث سقوط کامل دولت می شود که این عوامل عبارتند:

۱ - افزایش هزینه زندگی و چربیدن خرج بر دخل

۲ - افزایش بیش از حد مالیات

۳ - کاهش جمعیت

نظریه تولید :

برای ابن خلدون تولید فعالیتی انسانی است که از نظر اجتماعی به صورت بین المللی سازمان دهی شده است .

طبیعت انسانی تولید :

به اعتقاد وی انسانی حیوانی اقتصادی است مه نهایت او تولید است . همچنین عامل اصلی تولید از نظر وی نیروی انسانی است .

سازمان اجتماعی تولید :

تولید برای انسان حیاتی است . اگر او بخواهد زندگی کند و به حیاتش ادامه دهد باید غذا بخورد . او باید غذایش را تولید کند و فقط نیروی کارش امکان خوردن را به او می دهد . همه چیز از خداست اما کار نیروی انسانی برای معیشت ضروری است . قدرت فردی انسان برای دست یابی به نیازهایش کافی نیست و او به اندازه نیازهای غذاییش نمی تواند تولید کند .

سازمان بین المللی تولید :

تقسیم بین المللی کار مبتنی بر منابع طبیعی کشورها نیست ، بلکه مبتنی بر مهارت ساکنان آن کشورهاست . از نظر ابن خلدون نیروی کار بیشترین اهمیت را در میان عوامل تولید دارد .

تقسیم کار و تولید جمعی :

ابن خلدون کار و تولید جمعی را عامل تعیین کننده توسعه اقتصادی و پیشرفت جوامع می داند و استدلال می کند که اثر نیروی کار در فرایند تولید زمانی حداکثر می شود که تقسیم کار و تعاون به مرحله اجرا درآید و به دنبال آن حجم تولید افزایش یابد و سطح مصرف مردم به دلیل افزایش درآمدهای آنها از کالاهای ضروری به کالاهای تجملی و لوکس انتقال یابد . وی در عین حال از اراده و اختیار انسان در تمرد از تعاون غافل نیست و دخالت دولت برای وادار کردن مردم به تعاون را توصیه می کند .

الگوی تحلیل اقتصادی پویا دو رکن دارد : یکی تعاون و تقسیم کار و دیگری افزایش جمعیت . وی در این عبارت هم به مسئله تقسیم کار بر اساس تخصص هم به تولید جمعی=ی در یک فرایند تولید واحد اشاره می کند و نتیجه هر دو را افزایش تولید به مقدار خیلی زیاد می داند . نتیجه جالب دیگری که ابن خلدون از فرآیند تقسیم کار و تولید جمعی گرفته است کار مازاد است که از افزایش بهره وری نیروی کار ناشی می

شود. ابن لدون کار مازاد و درآمد ناشی از آنرا (درآمد مازاد) به منزله پس اندازی می داند که مردم آن را صرف تولید کالاهای رفاهی و تجملی یا صرف تولید کالاها صادراتی می کنند. به اعتقاد می این فرایند تکاثری هم چنان با افزایش جمعیت ادامه می یابد زیرا افزایش جمعیت زمینه را برای ایجاد مشاغل جدید و تقسیم کار مهیا می سازد.

فعالیت های اقتصادی مولد و غیر مولد :

ابن لدون اولین دانشمندی است که به تفاوت میان فعالیت های اقتصادی پی برد و آنها را به طبیعی (مولد) و غیر طبیعی (غیر مولد) تقسیم کرد. از مباحث مقدماتی این بحث می توان استنباط کرد که معیار تقسیم بندی وی طبیعی و عادی بودن است. اغلب مردم به صورت طبیعی می توانند به آن فعالیتها روی آورند کارهایی طبیعی اند که مولد هستند اما کارهایی را که افراد خاص به آنها می پردازند و نمی توانند عمومی و عادی شوند فعالیتهای غیر طبیعی کسب درآمد اند.

نظریه توزیع :

قیمت محصول شامل همه عناصر دستمزد، سود و مالیات هاست. هر کدام از این عناصر پاداش طبقه (کلاس) جمعیتی را تشکیل می دهد حقوق پاداش تولید کننده است و سود پاداش تاجر است. مالیات پاداش ارائه دهندگان خدمات شهری و فرمانرواست. در نتیجه این خلدون اقتصاد را به سه بخش تولید، مبادله، خدمات تقسیم می کند.

تعیین پاداش این عناصر :

حقوق :

از آنجایی که ارزش محصول برابر است با مقدار کاری که در آن انجام شده، حقوق جزء اصلی قیمت کالاهاست. قیمت کار نیز مبتنی بر قیمت کالاهاست.

سود :

سود از تفاوتی که تاجر بین قیمت خرید و قیمت فروش خود به دست می آورد منتج می شود، اما این تفاوت به قانون عرضه و تقاضا بستگی دارد که قیمت خرید توسط حقوق تعیین شده و قیمت فروش از طریق بازار تعیین می شود.

مالیات ها :

مالیتهای بر حسب ثروت فرمانروایان و کالاها متفاوت است در نتیجه میزان مالیات به وسیله عرضه و تقاضای محصولات تعیین می شود.

وجود توزیع بهینه :

حقوق :

اگر حقوق خیلی پایین باشد بازار دچار رکود شده و تولیدات رشد نمی کند، تجارت اندک انجام می شود و قیمتها کاهش می یابد. اگر حقوق ها خیلی بالا باشند تورم فشار می آورد و تولید کنندگان کارشان را از دست می دهند.

سود :

اگر سود ها یلی پایین باشند بازرگان مجبور به نقدکردن ذخیره می شود و به دلیل فقدان سرمایه نمی تواند آنها را تجدید کند. اگر سودها خیلی بالا باشند بازرگانان ذخیره شان را نقد می کنند و به دلیل شرایط تورمی نمی توانند آنها را تجدید کنند.

مالیات ها :

اگر مالیتهای خیلی پایین باشد دولت نمی تواند وظایفش را به خوبی انجام دهد . اگر مالیات های خیلی بالا باشد فشارهای مالی خیلی قوی می شود . سود های بازرگانان و تولید کنندگان کاهش می یابد و انگیزه شان را برای کار از دست می دهند .

نظریه درآمد و توزیع آن :

وی معتقد است هرگاه انسان دوران ضعف و ناتوانی را پشت سر بگذارد و قدرت کار کردن را بیابد در تحصیل درآمد تلاش می کند تا با آن نیازمندی های خود را از دیگران تامین کند . وی هرچیزی را که انسان با کار و تلاش خود بدست بیاورد را درآمد می نامد. این خلدون علاوه بر درآمدی که به میزان ضروریات باشد فعالیتی را به آن درآمد منتهی می شود نیز " معاش " می خواند و اظهار می دارد معاش عبارت است از روزی جستن و تلاش در جهت تحصیل آن. وی همچنین بین درآمد و رزق فرق می گذارد و در تعریف رزق می نویسد : اگر منافع درآمد و ثروت انسان به خودش برگردد و در راه تامین مصالح وی صرف شود روزی نامیده می شود و آنچه را که با توان و تلاش خود به دست بیاورد درآمد می نامد .

راه های تحصیل درآمد :

- ۱ - شکار حیوانات غیر اهلی
- ۲ - دامداری یا بهره برداری از حیوانات اهلی
- ۳ - مشاغل دولتی
- ۴ - کشاورزی :

ابن خلدون کشاورزی را بر همه اقسام معاش مقدم می داند و این تقدم را تقدم ذاتی بر می شمارد زیرا معتقد است این قسم از فعالیتهای اقتصادی امری بسیط و ساده و فطری است و برای انجام دادن آن نیاز به اندیشه و کسب دانش نیست .

۵ - صنایع :

صنعت را از آن جهت که ریشه در فکر و اندیشه دارد متص انسان می داند و در تحلیل علمی خود از فعالیتهای اقتصادی آنرا از نظر تقدم زمانی در رتبه دوم بعد از کشاورزی می داند . صنعت را این گونه تعریف می کند : صنعت ملکه ای در مسائل علمی و کاربردی است و چون کاربردی است فیزیکی و حسی است . تمدن بدون داشتن صنعت ناقص و بیمار است . تمثنی هایی که راه کمال را پیموده اند و پله های عمران را به سوی اوج و عظمت بالا رفتند در صنعت و صنعت گری دستی داشته اند . وی صنایع را به دو نوع بسیط و مرکب تقسیم می کند . صنایع بسیط ، صنایعی است که ویژه نیازهای ضروری است و صنایع مرکب ، صنایعی است که به امور تفننی می پردازد . وی تبدیل صنایع بسیط به مرکب را علت پیشرفت جامعه می داند .

۶ - بازرگانی ، تجارت و تجارت بین الملل :

بازرگانی کوشیدن در راه به دست آوردن سود است که سبب افزایش ثروت می شود و از راه خریدن کالا به بهای ارزان و فروختن آن به بهای گران انجام می شود . از طریق تجارت خارجی رفاه و رضایت مردم و سود تاجران و ثروت کشورها همگی افزایش می یابند . تجارت خارجی ممکن است به سطح درآمد کشور به طور مثبت کمک کند و نیز سطح رشد و برخورداری کشور را افزایش دهد . اگر این کالای خارجی دارای کیفیت بهتر در مقایسه با مشابه داخلی خود باشد ، این کالای وارداتی بر سطح رضایت خریداران خود واهد افزود .

راه های حداکثر کردن سود در بازرگانی از منظر ابن خلدون :

- ۱ - انبار کردن کالا و منتظر گردش بازار شدن .
- ۲ - حمل کردن کالا به شری دیگر که رواج کالا در آن بیشتر از شهری است که در آن خریداری می شود.

آزادی اقتصادی و حدود دخالت دولت در اقتصاد :

ابن خلدون طرفدار آزادی اقتصادی و مخالف تشکیل انحصارات دولتی و ورود مستقیم دولت در تلاش های اقتصادی و رقابت با بخش خصوصی است . وی معتقد است سیطره دولت بر تلاش های بازرگانی و کشاورزی این فرصت را به دولت می دهد که در شیوه های خرید و فروش اعمال نفوذ کند و ملت را از سود عادلانه محروم سازد و انحصارات دولت را به شدت تقبیح می کند و آن را مانع بزرگی بر سر راه توسعه اقتصادی می داند. وی علت اصلی رکود و مفساد اقتصادی را دخالت مستمر دولت در اقتصاد می داند و معتقد است سودی که دولت از طریق فعالیت های اقتصادی مستقیم خود به دست می آورد بسیار کم تر از ثروتی است که از طریق مالیات می ستاند .

وظایف دولت از دیدگاه ابن خلدون :

- ۱ - ایجاد امنیت داخلی و خارجی
- ۲ - وظایف نظارتی
- ۳ - تأسیس و نگهداری موسسه ها و انجام دادن خدمات عمومی
- ۴ - ایجاد تعاون
- ۵ - تامین اجتماعی

نقش دولت در نوسانات اقتصادی :

وی وجود نوسانات اقتصادی را (که گاهی رونق وزمانی کسادی دارد) نیز وابسته به اقدامات دولت می داند وی ابتدا وضع کسادی و بیکاری را ترسیم می کند و علت و محرک اقتصادی در نجات از کسادی را فعالیت های دولت معرفی می کند . فعالیت های دولت به نظر ابن خلدون چیزی مانند سیاست های مالی دولت های جدید است . به نظر ابن خلدون تورم در دوره رونق به دو دلیل رخ می نماید :

- ۱ - به علت فزورنی تقاضا بر عرضه .
 - ۲ - به علت وجود انحصار که باعث کاهش عرضه می شود .
- به نظر وی نیرویی که سبب می شود اقتصاد از کسادی نجات پیدا کند و به مرحله رونق برسد قدرت دولت است و همین قدرت نیز سبب می شود اقتصاد از دوره رونق باز به دوره رکود سقوط کند .

نظریه دستمزد :

وی کار را یک نوع کالا در نظر می گیرد که مانند هر کالای دیگر بازار دارد و در آن نیروهای عرضه و تقاضا نرخ دستمزد را تعیین می کنند . ابن خلدون کاملا واقف بود که دستمزد از شغلی به شغل دیگر به دلیل سطح مهارت و از شهری به شهر دیگر به دلیل میزان جمعیت (عرضه و تقاضا) و سطح رفاه متفاوت است . درباره چگونگی تعیین سطح دستمزد می نویسد : درآمدی که انسان به دست می آورد همان ارزش کار است . وی برای گرانی کار ماهر در شهرهای پر جمعیت سه علت زیر را ذکر می کند :

- ۱ - تقاضای بالا
- ۲ - عرضه پایین
- ۳ - درآمد بالا

معیارهای تعیین سطح دستمزد از منظر ابن خلدون :

- ۱ - مقدار کار : که با واحد زمان سنجیده می شود و هر قدر میزان کار بیشتر باشد سطح دستمزدها بالا

می رود .

- ۲ - شرف کار : اگر موضوع کار شریف باشد سطح دستمزد آن بالاتر خواهد بود .
- ۳ - نیاز مردم به آن کار : کاری نیاز مردم و ضروری باشد قیمت آن افزایش می یابد و برعکس .
- ۴ - سطح درآمد جامعه : چون سطح درآمدی شهرهای پر جمعیت بالاست دستمزد نیروی کار نیز بالاست و بر عکس .

نظریه قیمت :

در بازار در کوتاه مدت ارزش کالا بر اساس ارزش واقعی یا قیمت طبیعی آن نزد تولید کننده که منعکس کننده هزینه تولید است تعیین نمی شود . چون اگر چنین بود قیمتها نباید همیشه در حال نوسان باشد و در زمان و مکان مختلف تغییر کند بلکه در تعیین ارزش ، مبادله مصرف کننده و تولید کننده هر دو دخالت دارند . وی معتقد است خداوند طلا و نقره را قیمت هرگونه ثروتی قرار داده و آن دو اصل و اساس هرگونه ثروت و وسیله مبادله و مقیاس ارزشند که می توانند ارزش کالاها را اندازه گیری و در خود ذخیره کنند . وی همه کالاها را به غیر از طلا و نقره مشمول نوسان بازار می داند .

عوامل تعیین کننده قیمت از نظر ابن خلدون :

۱ - هزینه تولید :

عامل هزینه تولید عبارت است از کار ، منابع طبیعی ، مواد اولیه ، ابزار و سایر هزینه ها . وی معتقد است حتی در مواردی که تولید با کار و هزینه کمی صورت می گیرد و اثر کار ناپیداست مانند قیمت مواد غذایی معمول در بین مردم ، در چنین مواردی نیز در قیمت آنها اعتبار کار و سایر هزینه ها لحاظ شده است . ابن خلدون مالیات و عوارضی که دولت و حاکمان از تولید کننده و بازرگانان م یگیرند جزء هزینه تولید می داند

۲ - مطلوبیت :

مطلوبیت رضایت خاطری است که مصرف کالاها و خدمات ، نصیب مصرف کننده می کند . هرچه رضایت خاطر بیشتر باشد مصرف کننده حاضر است قیمت بیشتری بپردازد .

۳ - فراوانی و کمیابی کالا نسبت به تقاضا :

همان مازاد عرضه و تقاضا است که بر سطح قیمت ها تاثیر گذار است .

۴ - نوع کالا و حجم بازار :

وی کالاها را به ضروری و غیر ضروری و بازار را به بزرگ و کوچک تقسیم می کند . وی بازار را در دو معنا به کار می برد : یکی مکان خرید و فروش کالا و به صفاتی مثل دور و نزدیک ، بزرگ و کوچک ، شلوغ و خلوت متصف می شود و دیگری معنای اصطلاحی است که به مجموعه شرایط متعلق به مبادله یک نوع کالا اطلاق می شود و به صفات پویایی چون راکد ، کساد ، پر رونق ، پر نوسان ، دارای کمبود و مازاد متصف می شود .

۵ - درآمد :

از نظر ابن خلدون افزایش درآمد باعث افزایش قیمت کالاها به ویژه کالاهای رفاهی و تجملی می شود . هرچند عوامل موثر بر سطح قیمت ها باهم اختلاف دارند ، ولی همه آنها در نهایت در قالب (قانون عرضه و تقاضا) قیمت یک کالا را مشخص می کنند .

نوسان های قیمت و آثار اقتصادی آن :

ابن خلدون نوسان قیمتها را که نوسان در تولید را به دنبال خواهد داشت ، برای اقتصاد جامعه کشنده و فلج کننده می داند و معتقد است گرانی به همان اندازه برای اقتصاد مضر است که ارزانی نیز مضر است . هر دو

را از عواملی می داند که باعث می شود مردم از فعالیت های اقتصادی خارج و بیکار شوند و تنها ارزانی کالاهای ضروری استثنا می کند . همانا معیشت و درآمد مردم در قیمت متوسط و سرعت جریان بازار است و دانستن آن به سلايق و خلق و خوی جا افتاده در بین مردم بستگی دارد . این خلدون ایجاد صنایع جدید ، تعدیل بین صنایع و حرفه ها و تعطیلی آنها را بر اساس ساز و کار قیمت و نوسان آن تفسیر می کند .

علل گرانی محصولات صنعتی و رفاهی در شهرهای پرجمعیت :

- ۱ - نیاز فراوان به دلیل جمعیت زیاد رفاه طلب در شهرها
- ۲ - واقف بودن صنعت گران به شرافت پیشه خود ، به علت سهولت امرار معاش در شهرها در سایه فراوانی ارزاق .
- ۳ - ازدیاد توانگران و تجمل دوستان در شهرها و نیاز فراوان آنها به صنعت گران و پیشه دیگران .

تئوری مالیات :

فراوانی اخذ مالیات در اوایل عمر دولت :

ابن خلدون معتقد است در آغاز تشکیل دولت انواع مالیاتها اندک و در عوض میزان آن زیاد است و در پایان عمر دولت برعکس است . وی دلایل کثرت مالیات در اوایل عمر دولت را چنین بیان می کند :

- ۱ - در ابتدا دولت با مردم از سر نیکی و فروتنی و چشم پوشی از خطاها رفتار می کند و از هرگونه تعدی به حقوق آنها خودداری می کند .
- ۲ - در صورتی که دولت به شیوه غلبه جویی و عصبیت تشکیل یابد ، آن وقت ناچار در آغاز کار در حالت بادیه نشینی اقتضا می کند دولت با مردم به شیوه مسامحه کاری (تعلل) و فروتنی رفتار کند .

اصل حداقل بودن مالیات :

معتقد است دولت در ابتدا به انصاف ، به اصل حداقل بودن عمل کرده ، لذا مردم با پشتکار و شیفتگی هرچه بیشتر به کار بپردازند . لذا تولید محصولات هرچه بیشتر افزایش می یابد و به تبع آن میزان کل مالیات دریافتی بالا می رود . این خلدون بر این موضوع تاکید میکند که اگر دولت به اصول دینی عمل کند ، میزان مالیات (که شامل زکات و خراج و جزیه و مانند آن است) محدود مشخص و اندک است . اصل حداقل بودن مالیات ناشنکر عمق توجه ابن خلدون به تقویت انگیزه های مردم در فعالیت های اقتصادی و نگرش فرا اقتصادی وی در تحلیل مسائل اقتصادی است .

کاهش اخذ مالیات در ادامه عمر دولت :

ابن خلدون معتقد است به تدریج تجمل گرایی و مصرف بیش از حد کالاهای لوکس و نیز افزایش حقوق ها و پاداش ها سبب بالا رفتن مخارج بخش دولتی به میزان سرسام آوری می شود و لذا مالیات قبلی کفایت مخارج موجود را نمی دهد دولت به ناچار بر انواع و نرخ مالیات می افزاید ، هرچند سیستم اخذ مالیات کارایی سابق خود را وصول مالیات از دست داده است . به این ترتیب بر انواع مالیات افزوده می شود تا جبران مخارج طاقت فرسای دولت را بنماید . لذا اندک بودن و حداقل بودن مالیات ها نقض می شود . هنگامی که میزان مالیات ها از حد بیشتر شود اشتیاق به آبادانی و فعالیت تولیدی در مردم از بین می رود و لذا به علت کاهش تولید ، میان مالیات دریافتی نیز کاهش می یابد . دولت برای جبران کاستی دست به افزایش انواع نرخ مالیاتی می زند که این خود به رکود بازار کمک می کند و به تبع آن دولت به سرانگیزه سقوط می افتد . براسا نظریه ابن خلدون دولت که به منزله بزرگترین خردار در بازار است و با نخارج خود پول را در شریان های اقتصاد کشور به حرکت در می آورد سبب رونق فعالیت های اقتصادی می شود و لذا چنانچه دولت به جای مصرف مالیاتها و تبدیل آنها به مخارج مفید ، به ذخیره کردن آنها مبادرت کند ،

فعالیت های اقتصادی نیز به رکود کشانده می شود و لذا مالیات دریافتی کاهش می یابد .

نظریه تعادل درآمد و هزینه :

حسابهای درآمد ملی جدید با استفاده از برابری درآمد و مخارج توسعه یافتند . مخارج یک شهروند ، درآمد شهروندان دیگر است بنابراین مخارج کل برابر با درآمد کل است . این برابری را نخستین بار ابن خلدون کشف کرد . هرگاه در شهری مخارج و درآمد هر دو افزایش یابند سطح رفاه و رونق اقتصادی آن شهر بالا می رود و برعکس . وی همچنین بحث تعادل در حد تعادل در شهرها ختم می کند و آنرا به کل کشور تعمیم نمی دهد . شاید علت این بوده که وقتی تمامی شهرهای یک کشور درآمد برابر خرج باشد کل کشور که ترکیبی از شهرهای مختلف است نیز برابر است . از اینرو دیگر نیازی به بیان تعادل درآمد و هزینه در سطح کشور نیست .

نظریه پول :

در صورتی که افراد بخواهند کالاها و خدماتشان را مبادله کنند وجود یک معیار اقتصادی برای تعیین ارزش کالاها و خدمات امری ضروری است . این معیار ارزش باید همچون پول قانونی مورد قبول همگان قرار گیرد و انتشار آن باید مستقل از اعتبار ذهنی آنان باشد . ابن خلدون پول را مشتمل بر دو فلز قیمتی طلا و نقره می داند که ارزش ثابت دارند و از نوسانات بازار به دورند . سکه زنی صرفاً مبنی بر تضمین حاکم است و مشخص می کند که یک سکه حاوی مقدار معینی طلا و نقره است . از دیدگاه او پول شکل واقعی ثروت نیست بلکه واسطه ایست که میتوان ثروت را از طریق آن به دست آورد . وی نخستین فردی بود که بین پول و ثروت واقعی فرق قائل شد .

رشد و توسعه اقتصادی :

عوامل جغرافیایی :

هرچه شرایط جغرافیایی با زندگی سازگار تر باشد ، عمران بشری نیز گسترده تر خواهد شد . بر این اساس وی ربع شمالی زمین را آبادتر ، پر جمعیت تر و توسعه یافته تر از ربع جنوبی می داند .

عوامل اقتصادی :

از دیدگاه ابن خلدون تقسیم کار و تولید جمعی ، رشد و اندازه بازار و شکوفایی و پیشرفت صنعت در زمره عوامل اقتصادی موثر بر رشد و توسعه اقتصادی اند .

تقسیم کار و تولید جمعی :

تقسیم کار مقارن با تغییرات زیربنایی می شود که نمایانگران انتقال عمران بشری از عمران صحرا نشین کشاورز یا صحرا گرد دامپرور به عمران شهری افزارمند و صنعتی است . چنین انتقال و تغییراتی سبب افزایش فرصت های شغلی ، بازدهی زیاد نیروی کار ، افزایش محصولات ، انباشت سرمایه ، استفاده از منابع جدی و بهبود در نحوه تولید است . از نظر وی اقتصاد با تولید و تقسیم کار در روند رشد صعودی قرار می گیرد و به موازات افزایش جمعیت و عرضه نیروی کار ، این روند شتاب بیشتری می گیرد .

رشد و اندازه بازار :

وی معتقد است وقتی اندازه یا ابعاد بسیار محدود باشد ، پس اندازه و سرمایه گذاری آنها درآمد مازادی ندارد ثمر نتیجه درآمدهای آنها افزایش نمی یابد و مردم ، ضعیف احوال خواهند بود . هرچه بر جمعیت افزوده شود به همان اندازه زندگیشان بهبود خواهد یافت و پول و ثروت و تعداد شهرهای جدید افزایش خواهد یافت و بر عظمت دولت و کشور افزوده خواهد شد .

شکوفایی و پیشرفت صنعت :

وی برای شکوفایی و پیشرفت صنعت به چند عامل اشاره می کند :

۱ - گذر از اقتصاد معیشتی بسته به اقتصاد افزارمندی شهری

۲ - تقاضای بخش خصوصی

۳ - تقاضای بخش دولتی

امنیت اقتصادی :

وی معتقد است تجاوز به اموال مردم ، آنان را از تحصیل و به دست آوردن آن نومید می کند ، زیرا می بینند سرانجام در چنین شرایطی ثرویشان به غارت می رود . هرگاه مردم از تحصیل ثروت نومید شوند ، از کار و تلاش در چنین راهی دست می کشند .

عامل سیاسی :

ابن خلدون برای نظارت و آماده سازی بستر و زمینه برای فعالیت های بخش خصوصی ، موافق دخالت دولت در اقتصاد است و حتی برای اجرای طرح های بزرگ و تولید کالاها و خدمات عمومی دخالت دولت را در اقتصاد لازم و ضروری می شمرد.

عوامل مؤثر بر نقش دولت در رشد و توسعه کشور :

دوران فرمانروایی :

ابن خلدون معتقد است اگر دوران فرمانروایی دولتی کوتاه باشد توسعه و عمران کشور به همان اندازه کاهش خواهد یافت و در معرض ویرانی قرار خواهد گرفت .

وسعت قلمرو فرمانروایی :

هروقت دولت در حال بالندگی و ترقی باشد عمران بشری و تمدن نیز در حال توسعه و پیشرفت خواهد بود و وقتی دولت به اوج اعتلا و قدرت رسید عمران بشری با تمامی مظاهرش در نهایت شکوفایی و درخشندگی است .

چرخه های عمومی :

به اعتقاد ابن خلدون دولت بزرگترین بازار ، مادر ، اساس و مایه همه بازارها در دخل و خرج است و به ایت ترتیب برای مخارج دولت در اقتصاد نقش بسیار کلیدی قائل است . نقشی که وی برای دولت در رشد و توسعه اقتصادی قائل است شبیه نقشی است که قلب در بدن دارد . بر اسا آنچه ابن خلدون ترسیم می کند در واقع دولت ثروتهای پراکنده جامعه را از طریق سیستم مالیاتی جمع آوری و مجدداً از طریق مخارج دولتی به پیکره اقتصاد پمپاژ می کند . در نتیجه این ثروت با سرعت به جریان می افتد و به دور ترین نقاط کالبد جامعه می رسد .

چرخه جمعیتی و نظریه جمعیت :

جمعیت بیشتر به معنای تولید بیشتر است و همچنین جمعیت بیشتر به معنای تقاضای بیشتر بازار و تولید بیشتر است . اما جمعیت به خودی خود به وسیله تولید تعیین می شود . بیشتر بودن تولید باعث بالا رفتن تقاضای نیروی کار در بازار شده و این یعنی بالا رفتن دستمزدها و حقوق ها و این نیز باعث می شود که کارگران تمایل یابند به این منطقه مهاجرت کنند و به ایت ترتیب جمعیت افزایش می یابد . در نتیجه چرخه جمعیتی در شهرها وجود دارد . جمعیت شهرها رشد می کنند ، رشد آن موجب افزایش تقاضا می شود و این موجب افزایش تولید می شود و سپس موجب افزایش جذب مهاجران جدید . اما این رشد برای

امکانات جغرافیایی شهرها و تولیدات کشاورزی خیلی زیاد است و در نتیجه جمعیت شهرها کاهش می یابد.

موانع رشد جمعیت :

- ۱ - فساد اخلاقی و فاصله گرفتن از تعالیم اسلامی و انسانی
- ۲ - بحران های سیاسی
- ۳ - آلودگی هوا و محیط زیست

نظریه ارزش :

از وقتی که اقتصاد وارد تولید انبوه می شود و تولید برای دیگران شکل می گیرد مسئله چگونگی ارزش کالا و خدمات مطرح می شود که در آن ارزش کالاها و خدمات آماده مبادله مشخص می شود. وی معتقد نیست ارزش کالا را تنها عامل کار مشخص می کند و این قیمت هایند که درجه ارزش هر کالا را نشان می دهند. وی منشاء اصلی ارزش کار را انسانی می داند که اگر نباشد هیچ گونه ارزش و درامدی خلق نمی شود. علاوه بر کار سایر عوامل تولید نیز منشاء ارزشند، زیرا تحلیل می کند که در ارزش آن ارزش مقدار کار نیز ملاحظه شود، یعنی وی ارزش محصول را برابر ارزش مقدار کاری که در تولید آن صرف شده نمی داند بلکه ارزش آنرا بیشتر می داند طوری که ارزش کار را باید در آن لحاظ کرد. وی کار را به کار پنهان و آشکار تقسیم می کند و معتقد است در هر دو صورت ارزش کار در ارزش کالا ملحوظ است. وی علت پنهان ماندن عامل کار را کم بودن مقدار آن در تبدیل مواد طبیعی به کالای نهایی می داند. منشاء ارزش از دیدگاه ابن خلدون، تولید، یعنی ترکیب عوامل تولید است که با مبادله به درآمد و ثروت تبدیل می شود و همه عوامل تولید در ایجاد ارزش دخالت دارند ولی فقط سهم عامل کار بارزتر است. کار عامل نهایی تولید است و اگر همه عوامل تولید فراهم باشند و نیروی کار فراهم نباشد کالا یا خدمتی ایجاد نمی شود.

نظریه عدالت در اندیشه ابن خلدون :

کاملترین عدل به دنبال اجرای سیاست شرعی می تواند تحقق یابد و این امر فقط در آغاز حکومت شرعی و در کوتاه زمانی میسر شد که عمران هنوز تکامل و ثروت و رفاه فزونی نیافته بود، در حالی که در مراحل پیشرفت عمران، بیشتر احکام سلطانی غالب اوقات متکی بر ظلم و ستم است زیرا عدل محض در عهد خلافت شرعی است که ان هم کم دوام است. عدلت وظیفه ای دینی است که از توابع داوری قضات و موارد علمی آن است و حقیقت آن قیام به اذن قاضی است. می توان گفت که ابن خلدون با اقتدای به شریعت نامه نویسان به تعریف دقیق عدالت نیازی ندیده و بی آنکه بتواند ابهام سخن شریعت نامه نویسان را رفع کند، به تکرار آن پرداخته است.

دومین رویکرد او به مفهومی از عدالت توجه دارد که بحث او را به نوعی از (فلسفه اجتماعی) نزدیک می کند بی آنکه بتواند به شالوده استواری برای تحلیل اجتماعی - اقتصادی تبدیل شود. نظریه های که وی مطرح می کند درباره عدالت، نه بر پایه تحلیلی از جامعه بلکه برآمده از نظریه عدالتی است که پیش از او سیاست نامه نویسان بسط داده بودند.

پیامدهای اقتصادی ظلم استثمار :

تصاحب اختیاری و ارادی اموال مردم توسط دولت باعث کاهش میل و رغبت آنان به کسب درآمد است. در چنین حالتی مردم برای کسب سود کشور را ترک و به مکانهای دیگری مهاجرت می کنند که نتیجه چنین مسئله ای نیز خالی شدن سکنه شهر و تبدیل شدن آنها به بیابان خواهد بود. همچنین بدتر شدن وضعیت جامعه باعث تضعیف حکومت می شود چرا که وضعیت حکومت به وضعیت جامعه بستگی دارد.

مالکیت زمین :

این خلدون سه عامل را به عنوان عوامل ایجاد مالکیت های بزرگ زمین بر می شمرد که عبارتند از : ارث ، نوسانهای بازار ، استفاده از قدرت سیاسی . انباشت زمین زراعتی در دست مردم به یکباره و در یک نسل میسر نیست ، چون هیچگاه یک فرد هر چند در رفاه و توانگری به بالاترین حد ممکن خود رسیده باشد ، آن قدر ثروت ندارد که بتواند زمین هایی را که ارزش آنها از حد خارج است را مالک شود بلکه تملک و انباشت آنها تدریجی است که یا در پرتو ارث از نزدیکان به یک فرد می رسد که اغلب اینگونه است یا ناشی از نوسانات بازار است .

**جلال الدین محمد
دوانی****زندگی نامه و آثار :**

وی معروف به علامه دوانی بوده است و چون آخرین کسی است از بزرگان علمای این کشور که جامع همه علوم زمان خود بوده و شهرت و امتیاز خاص دارد .

اندیشه های اقتصادی :

واژه های اسلامی را با رویکرد اقتصادی بیان کرده است .

قناعت :

دوانی قناعت را مصرف در حد ضرورت می داند و متذکر می شود که نباید مصرف در حد ضرورت بدان دلیل انجام شود که پس انداز خصوصی و فردی به وجود آید و شخص قانع به شخص سرمایه دار تبدیل شود .

حریت :

حریت یعنی توانایی کسب درآمد از طریقی که به استثمار آلوده نباشد و خرج آن در طریقی که استثمار کننده نباشد .

صله رحم :

صله رحم یعنی خویشان را در مال و رفاه اقتصادی شریک گردانیم .

لزوم تحصیل علم اقتصاد :

دوانی معتقد است مهم ترین مشخصه اقتصاد اسلامی باید این باشد که در آن روابط اقتصادی عاری از هر نوع استثمار باشد و چون برای استقرار قسط در روابط اقتصادی باید آگاهی کامل بر روابط مذکور داشته باشیم و این آگاهی حاصل نمی شود مگر از طریق مطالعه علمی مکانیسم عملکرد روابط مذکور و این مطالعه چیزی جز دانش اقتصاد نیست ، لذا تحصیل علم اقتصاد ضروری است .

عدالت اقتصادی :

به نظر دوانی عدالت اقتصادی باید در سه زمینه تولید ، توزیع و کیفر مراعات شود . درباره عدالت در تولید دوانی به تفاوت بین کالا و خدمت توجه داشته است . درباره مبادله نیز دوانی به تئوری ارزش کار پایبند است و معتقد است که باید مبادله دوکالا یا دو خدمت بر اساس کار متبلور در آن دو انجام شود . دوانی معتقد است که مبادله به دو صورت مثبت و منفی انجام می شود . مبادله مثبت آن است که دو ارزش مبادله شده اگر برابر نباشند آن طرف که ارزش کمتر داده و ارزش بیشتر گرفته است ، دیگری را استثمار می کند و باید در حکومت عدل اسلامی آن ارزش اضافی از استثمارگر گرفته شود و به استثمار شده برگردانده شود . مبادله منفی آن است که عدالت در کیفر در صورتی مراعات شود که دو کار شخص از یک

نوع باشد و فرضاً هر دو دارای کار ساده باشند .

وظایف دولت :

- ۱ - توسعه و رشد اقتصادی
- ۲ - شفقت و رافت بر مردم
- ۳ - کارها را به کاردان سپردن
- ۴ - تثبیت قیمت ها

تعادل اقتصادی :

دوانی وجود تعادل در بدن انسان را علامت سلامت می داند لذا اقتصاد در صورتی سالم می ماند که کلیه بخش های آن در حالت تعادل و هماهنگی با یکدیگر به مثابه یک هیكل واحد عمل می کند .

پس انداز و مدیریت ذخایر :

دوانی معتقد است که مصرف باید کمتر از درآمد باشد و مقداری از درآمد که مصرف نمی شود پس انداز شود تا روز مبادا به کار آید . درباره پس انداز نیز معتقد است که پس انداز باید به اشکال مختلف انجام پذیرد تا اگر یک نوع از آن تلف شد انواع دیگر آن سالم بماند .

تقسیم کار :

می گوید بشر ناچار است به صورت اجتماعی زندگی کند و در اجتماع هر کس می کوشد تا درانجام کاری معین تخصص یابد . دوانی هشدار می دهد مه مبادا یک نفر مسئول تولید چندین نوع کالا یا خدمت شود که در این صورت به علت وجود عدم تخصص ، کارایی تولید بسیار پایین خواهد بود .

پول وسیله مبادله :

پس از آن که کالاهای مختلف تولید شد و بر اساس معیارهای شرعی ارزش آنها مشخص گردید ، نیاز به یک واسطه است تا بدون مبادله مستقیم کالاها با یکدیگر ، به وسیله واسطه مذکور بتوان امر مبادله را انجام داد . دوانی این واسطه را پول می نامد . پول باید از جنس طلا باشد ، چرا که ارزش مقدار کمی از آن برابر مقدار بسیار زیادی از کالاهای دیگر است .

اولویتهای اقتصادی :

دوانی فعالیتهای اقتصادی انسان را موخر بر فعالیتهای اقتصادی طبیعت می داند و لذا می گوید تعیین اولویتهای اقتصادی باید بر اساس و مطابق اولویتهای اقتصادی طبیعت اتخاذ شود .

تئوری جمعیت :

در کتب اقصای غرب آمده است که گویا مالتوس برای اولین بار تئوری بدبینانه جمعیت را مطرح ساخته است . با مطالعه کتب خواجه نصیرالدین طوسی و متاب اخلاق جلالی دوانی ، به خوبی روشن می شود که ایت تئوری ۴۰۰ تا ۶۰۰ سال قبل از مالتوس انگلیسی در ایران توسط دوانی در اخلاق جلالی و توسط طوسی در اخلاق ناصری مطرح شده است که خود اینان نیز تاریخ طرح تئوری را به ۴۰۰ سال قبل از خود توسط ستاد ابوعلی مسکویه می دانند .

درآمد :

در سه بعد درآمد را مطالعه می کند : بعد تحصیل درآمد ، بعد حفظ درآمد ، بعد خرج درآمد . به نظر دوانی درآمد یا اکتسابی است یا اتفاقی ، درآمد اکتسابی آن است که اراده انسان در تحصیل آن موثر

است و درآمد اتفاقی آن است که اراده انسان در تحصیل آن موثر نیست . با توجه به نظر پیشیان خویش منابع کسب درآمد را زراعت ، تجارت و صنعت می داند .

صنعت :

صنعت دو قسم است : صنعت تولید کالاهای ضروری و صنعت تولید کالاهای غیر ضروری . کالای ضروری کالایی است که بدون آن زندگی انسان ناممکن است .

تحصیل مهارت :

دوانی معتقد است که کارگر باید به کار آموزش بپردازد تا در انجام دادن کار خود مهارت پیدا کند و این مهارت باید به حد بالای خود برسد چون تولید یک کارگر ماهر از تولید یک کارگر نیمه ماهر بیشتر و ضایعات وی کمتر خواهد بود .

صنعت و توسعه اقتصادی :

دوانی به حق دریافته است که رفاه اقتصادی میسر نمی شود مگر آنکه تولید ملی جامعه و درآمد سرانه افراد جامعه افزایش یابد و این مهم تحقق نخواهد یافت مگر اینکه جامعه صنعتی شود . مهم ترین مشخصه صنعتی شدن از دیدگاه دوانی آن است که عاری از استثمار انسان باشد .

مخارج :

مخارج شرعی :

عبارت است از قسمتی از درآمد که باید بهه عنوان حق الله به حکومت اسلامی پرداخت شود .

مخارج جودی :

مخارجی است که به صورت تحفه و هدیه به دیگران منتقل شود .

مخارج دفاعی :

این مخارج آن قسمت از درآمد است که به منظور جلب نفع یا دفع ضرر باید پرداخت شود .

مصرف :

وی درباره مصرف معتقد است که باید مصرف در حد کفاف انجام گیرد و از مصرف کالاهای غیر ضروری و تجملی جداً خودداری شود .

دوانی در مقابل کلاسیک ها :

کلاسیک ها معتقدند که اگر مردم را به حال خود بگذاریم و در انتخاب شغل آزاد باشند هریک به دنبال تحصیل سود شخصی خود انجام کاری را به عهده خواهد گرفت و وجود دست غیبی در اقتصاد سبب می شود که آزادی مردم به تعادل اقتصادی منجر شود . دوانی صدها سال قبل از کلاسیک ها به خامی و غلط بودن نظریه کلاسیک ها واقف بوده است . دوانی به حق معتقد است که لیبرالیسم اقتصادی و تعقیب نفع شخصی سبب ظهور نابسامانی های اقتصادی و عدم تعادل اقتصادی و از همه مضرتر سبب استثمار اقلیتی سرمایه دار از اکثریت محروم می شود . دوانی معتقد است که به منظور جلوگیری از استثمار انسان از انسان باید اقتصاد جامعه تحت کنترل حکومت اسلامی قرار گیرد .

بیکاری :

دوانی نه تنها بیکاری آشکار زاهدان را مورد سرزنش قرار می دهد بلکه بیکاری پنهان را نیز تقبیح می کند و آن را استثمار انسان از انسان می داند و به نظر وی کسی که در ظاهر به شغل قصه گوئی یا رمالی و مشاغل

دیگری که تولید کالا یا خدمت ضروری و مفید ندارد، اشتغال دارد، اگرچه در ظاهر به کاری مشغول است، ولی در واقع بیکار است و لذا این گونه بیکاران پنهان نیز به استعمار دیگران مشغول اند.

فصل ششم

آراء و عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان در قرون دهم و
یازدهم هجری قمری

ابن نجیم

شاه ولی الله دهلوی

عقاید و تفکرات و نظریات	نام اندیشمند
<p>زندگی نامه و آثار :</p> <p>در مصر متولد شد . ولادت وی مقارن با سقوط سلسله ممالیک به دست سلطان سلیم اول پادشاه عثمانیان بود . غرق شدن او در تالیف کتابهایش سبب اندک بودن شمار شاگردانش بود . ابن نجیم تالیفات زیادی دارد که مشهورترین و مهم ترین آنها عبارت است از :</p> <p><u>البحر الرائق فی شرح کفر الدقائق</u> : این کتاب شرح کتاب معروفی از نسفی که در باب فقه حنفی است و در هشت جزء چاپ شده است که هفت جزء اول آن در باب تجارت است .</p> <p><u>الاشباه و النظائر</u> : در این کتاب قواعد و احکام مذهب حنفی تدوین شده است .</p> <p><u>فتح الفغار</u> : شرحی است بر المنار نسفی</p> <p><u>الرسائل زمینه فی مذهب الحنفیه</u> : معروف است به رسائل ابن نجیم</p> <p>موضوعات مهمی که در رساله وی اشاره شده عبارت است از :</p> <p>۱ - اموال : نامه ششم ابن نجیم درباره زمین های مصر است و حکم تصرف آنها .</p> <p>۲ - اوقاف : این موضوع یک چهارم رساله را در بر می گیرد و بعضی از آنها متعلق به مشکلات فقهی عمومی است یا پرداخت حقوق و مستمری از اوقاف به افراد غیر مستحق .</p> <p>اندیشه های اقتصادی :</p> <p>ابن نجیم نظریه اش را درباره مالیات بر پایه قرارداد بین دولت و کسی که ملزم به دادن مالیات است تنظیم می کند چه قرارداد صریح باشد چه ضمنی . وی مصارف مالیات را به اجمال بیان می کند :</p> <p>مصالح مسلمین مانند حفظ و نگهداری مرزها و احداث پل و اعطا به قاضیان مسلمان و کارگزاران آنها و دانشمندان به حدی که برای آنان کفایت کند . و همچنین از مالیات رزق جنگجویان و اهل و عیال آنها پرداخت می شود و همچنین پرداخت به طالبان علم و حافظان قرآن و کسانی که عالم به حلال و حرام اند و به مردم فتوا می دهند .</p> <p>اقتضایات :</p> <p>مصلحت اجتماعی مطلوب از اقطاع و اختصاص دادن این زمین ها زمینه تولید آنها و کسب مالیات از آنها یا یک دهم از آنها بر طبق موقعیت آنها و تصرف آنها به صلح یا با زور . ابن نجیم به امتیاز دادن امام از مقداری از حقوق بیت المال یا قسمتی از مالیات یورش می برد (اعتراض می کرد) و معتقد است سلزان هیچ حقی ندارد در امتیاز دادن یا بخشیدن مالیات .</p> <p>رشوه :</p> <p>شخص رشوه دهنده چیزی یا پولی به حاکم یا فرد دیگری می دهد تا به نفع او حکم کند یا چیزی که مراد اوست حاصل کند و رشوه با هدیه تفاوت دارد در اینکه رشوه دهند از شخص رشوه گیرنده کمک می خواهد در حالی که در هدیه هیچ شرطی نیست . ابن نجیم بیان می کند که رشوه حرام است و دلیل حرام بودن آن را از قرآن و سنت و اجماع بیان میکند . نتایج عملی حرام بودن رشوه عبارتند از :</p> <p>۱ - ابطال به تعیین قاضیانی که با رشوه به منصب قضاوت می رسند چه اهل بیت و شایستگی این کار را داشته باشند ، چه نداشته باشند .</p> <p>۲ - حرام بودن پرداخت مال به قاضی تا به نفع رشوه دهنده قضاوت کند .</p>	<p>ابن نجیم</p>

۳ - حرام بودن هدیه یا پول به عنوان قرض به قاضی از طرف شخص بیگانه ای که قبل از اینکه قاضی عهده دار این منصب شود ، هیچ گونه تعاملی بین این دو وجود نداشته است .
در متون دینی چیزی که مدت اجاره اوقاف را معین می کند وجود ندارد و فقهای حنفی ناگزیر شده اند به منع اجازه طویل المدت فتوا بدهند چرا که ملاحظه کرده اند که چنین اجاره ای منتهی به تباه شدن وقف و مخلوط شدن آن با ملک مستاجر و از بین رفتن حقوق به نفع برندگان آن می شود .
اوقاف :

ابن نجیم راه های انفاق از اوقاف را برای دولت در دفاع و مصالح اساسی مثل راه ها ، تعلیم و تربیت ، بهداشت و درمان و دالت تعیین کرده است همچنین تضامن اجتماعی برای برطرف کردن نیاز فقرا و نیازمندان است . مقصود او حمایت از اموال اوقاف در برابر تجاوز ، ظلم و غارت و سوء مدیریت با فروختن ، اجاره یا تعویض آن است و همچنین حفظ حقوق مستحقان .
او وقف را مختص به فقرا نمی داند بلکه آنرا شامل مواردی می داند که برپایه مصالح اجتماعی استوارند . بنابراین علما نیز می توانند حقوقشان را از اوقاف بگیرند مادامی که وقف شامل آنها نیز می شود هر چند فقیر نباشند .

شاه ولی الله دهلوی

زندگی نامه و آثار :

در دهلوی به دنیا آمد . تحصیلات خود را در علوم معقول و منقول نزد پدرش فراگرفت و بعد از مرگ او پیشوای حنفیان هند شد . یه موسسه اسلامی به نام دارالعلوم تاسیس کرد . سپس به مکه و مدینه رفت و از درس حدیث دانشمندانی چون ابوظاهر مدنی ، عبدالله بن سالم بصری و تقی الدین استفاده کرد . با نفوذ که میان اهل سنت هند داشت نهضت اصلاحی خود را که تجدد گرایی اسلامی بود پایه گذاری کرد . او در ایران به علت وابستگی به نقشبندیه و کتب رسالاتی سات که در رد شیعه نوشته است شهرت دارد که هرچند تلاش های او موفقیتی نداشته است . از شاه ولی الله حدود ۴۰ کتاب باقی مانده است که از بین آنها حجه الله البالغه بیانگر افکار و نظرات شاه ولی الله در اقتصاد و سیاست اقتصادی دولت است.

اندیشه های اقتصادی :

به عقیده وی بشری که طبیعتاً اجتماعی است سعادت او در گرو همکاری با دیگران نهفته است که مبادلات ، قراردادهای ، سهم بری در سود و سهم بری در کشاورزی از انواع مختلف این همکاری ها است . به نظر او قمار یعنی کسب ثروت از طریق ناآگاهی و فریب دیگران و استفاده از شرایط ریسک و عدم اطمینان . او ربا را نیز با ادله مشابه بررسی می کند .
زمین در حقیقت مانند مسجد و یا مکان استراحتی است که برای رهگذران مهیا شده است . کسی که زودتر از دیگران وارد آن شود زودتر مورد پذیرایی قرار می گیرد و معنای مالکیت فرد این است که آن فرد مستحق تر از دیگران برای بهره برداری از آن شیء است . زندگی هری مستلزم این است که دولتی وجود داشته باشد که وظیفه آن دفاع و مراقبت از قانون و نظم و پیاده کردن عدالت و انجام دادن برخی از امور عامه مانند کارهای عمرانی است و برای انجام این امور هزینه لازم است که مالیات گرفته می شود .
او دو عامل مهم را که باعث افول کشورش بود این چنین بیان می کند : اولاً پشتیبانی از طبقه غیر کارایی مثل شعرا و قدیسین و جنگجویان . ثانیاً وضع مالیات های سنگین بر زارعان ، تجار و بازرگانان .
مهم ترین نکته در فلسفه اقتصادی شاه ولی الله این است که اقتصاد اجتماعی اثر عمیقی بر اجتماعی دارد و

استقرار نظم اقتصادی عادلانه شرط اساسی درستی اخلاق است . او به این مطلب تاکید می کند که تمرکز ثروت ، مصرف بی رویه اغنیا ، پیدایش طبقه فقیر و افزایش فشار مالیات بر مردم از علل اساسی زوال تمدن هاست . وی برای زندگی بشر چهار مرحله را در نظر می گیرد و تکامل از یک مرحله به مرحله دیگر را ارتقا می نامد . این مراحل عبارتند از :

- ۱ - مرحله زندگی ابتدایی یا جنگلی که فرد تنها به رفع نیازهای اولیه خود می پردازد.
- ۲ - زندگی در روستاها و شهرهای کوچک است که ارتباطات نیز گسترش پیدا می کند .
- ۳ - ملی گرایی است که کشورها ایجاد می شود و حکومت شکل بسیار پیچیده ای را پیدا می کند .
- ۴ - بین المللی گرایی است که روابط بین کشورها برقرار می کند و جمعیت نیز به حد بسیار بالا می رسد

علل فساد :

شاه ولی الله می گوید هنگامی که بشر مجبور است در تنگناهای شدید مالی به حیات خود ادامه دهد ، ارزش های اجتماعی بشر به کلی ویران می شود و این بدان دلیل است که آنان مجبورنن مانند چارپایان به کارو فعالیت پردازند تا خود را حفظ کنند . باید توجه داشت که رفاه و سعادت جامعه در گرو کاهش مالیات ها و استخدام کارمندان نظامی و دولتی در حد نیاز است .

توزیع صحیح نیروی کار :

علل دیگر فروپاشی جامعه آن است که اگر جمعیت آن زیاد باشد ، اکثریت مردم خود را در افزایش تولید مشغول نخواهند ساخت و نتیجه آن عدم تامین مواد غذایی کافی برای جمعیت کشور خواهد بود . لذا به این خاطر است که نیاز به توزیع مناسب نیروی کار احساس می شود .

شرایط اقتصادی و شخصیت فرد :

شرایط اقتصادی تاثیر شگرفی بر شخصین بشر دارد افراد جامعه مانند اندام های بدن می باشند که به ندرت اتفاق می افتد در تمامی وجوه کامل باشد . شاه ولی الله با داشتن تمامی این واقعیتها در ذهن خود تاکید فراوان بر بهبود وضعیت اقتصادی فرد دارد و پیشنهاد می کند همه افراد باید تلاش کنند و درآمدی کسب کنند تا باری بر دوش دیگران یا حکومت تحمیا نکنند .

فصل هفتم

**آراء و عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان در قرون سیزدهم
و چهاردهم هجری قمری**

مالک بن نبی

امام خمینی (ره)

مرتضی مطهری

سید محمد باقر صدر

عقاید و تفکرات و نظریات	نام اندیشمند
<p>زندگی نامه و آثار:</p> <p>در شهر قسطنطنیه زاده شد . در سال استقلال الجزایر مصر را ترک کرد و به کشورش بازگشت و سمت مدیریت عالی را به عهده داشت. مالک دارای تالیفات بسیار و پر بار و مفید بود که برخی از تالیفات او به زیور طبع درآمد و قسمتی دیگر از آن به عنوان مجموعه سخنرانی ها در کتابی جمع آوری شد . اغلب تالیفات مالک به زبان فرانسه است به همین دلیل اغلب کتابهای او ترجمه شد ولی اصل فرانسوی آنها به چاپ نرسید.</p> <p>اندیشه های اقتصادی:</p> <p>بی شک تحول اقتصادی با عاریت گرفتن و خریدن حاصل نمی شود ، بلکه با آن نوآوری ای به دست می آید که از واقعیت جامعه اسلامی و امکانات اسلامی و مادی آن جوشیده باشد . لازم است دانسته شود که برای ساخت یک اقتصاد متحول ، می بایست انسان متحول شود و این جزء با تربیت پیوسته ای که با انسان از گهواره تا گور همراه است ، تحقق نمی یابد . رشد اقتصادی بر آزادی فرهنگی و فکری تکیه دارد تا همبستگی بین کار و جهان اندیشه و تعادل روحی – مادی تحقق یابد .</p> <p>تاثیر پذیری نظام اجتماعی از نظام اقتصادی:</p> <p>نظام اقتصادی حاکم بر جامعه ، نظام اجتماعی خاص خود را نتیجه می بخشد ، اقتصاد عاملی است که نقش مهمی در آزادی اجتماعی و پیشرفت آن دارد. مشکل عقب افتادگی در جهان اسلام مشکل انسان و اندیشه هایی است که بر سبک زندگی او تسلط دارد و باز گشودن راه پیشرفت جز از راه تامین فضای فرهنگی و رهایی بخش از نفوذ استعمار میسر نیست . مشکل حرکت اقتصادی در جهان اسلام تا زمانی که جهت مصرف ثروت در سطح ملی روشن نیست ، حل ناشدنی است .</p> <p>ارزش و اهمیت کار:</p> <p>کار ، قانون زندگی و مسئولیت زندگان و دلیل شرافت جامعه و توانایی بر طرح ریزی در مسیر انسانیت است ، لذا این گفتار درست است که کار ، زندگی است . اسلام کار اقتصادی را چنین می شمارد که حمایتی از زندگانی تمام انسانهاست که با سازمانی از برادری ، که وابستگی و غارت را از بین می برد بنا می شود . وظیفه ، همان چیزی است که به روابط داخلی حاکمیت می دهد .</p> <p>عوامل روانی مشکلات اقتصادی:</p> <p>لازم است مشکل اقتصادی را در کشورها از بنیاد آن یعنی از عوامل روانی آغاز کنیم که در این زمینه راه حل آن ، تنها در ایجاد آگاهی اقتصادی است با آنچه که در ساخت فردی انسان و در آداب و رسوم و نیز در فعالیت و موضع گیری او در برابر مشکلات اجتماعی موجود است . زندگی اقتصادی ، تنها به وسایل فنی و مالی و سازمانی پیوند ندارد که قبل از آن به امور روانی موجود در معاملات ، که در برنامه ها ملحوظ است و به اجرا در می آید ، وابسته است .</p> <p>استعمار کشورهای جهان سوم:</p> <p>جهان سوم که مسلمان ها هم از آن جمله اند در وضعیت فریب کارانه ای با تکنیک و پیشرفت غرب به سر می برد ، وضعیتی که استعمار برای تحقق آن امکانات فراوانی را مصرف می کند چرا که بیداری این غول عظیم ، منافع او را تهدید می کند و حکومت او را از کار می اندازد و افق های آزادی را در برابر تمامی ملت</p>	<p>مالک بن نبی</p>

های جهان می گشاید.

مقایسه سه نظام اقتصادی سرمایه داری ، سوسیالیسم و اسلام :

در کشورهای اروپایی زندگی انسان به لقمه نانی وابسته است ، در کشورهای غربی در پوشش ظاهر آزادی سیاسی لقمه غذایی برای حفظ نوع لازم است بر گه فشاری است بر آزادی انسان که در دست هیئت حاکمه قرار دارد . در کشورهای شرقی ، با عنوان تسلط حزب واحد (تک حزبی) و اقتصاد کنترل شده ، نوعی خوراک و پوشاک برای انسان تامین می شود ولی در کنار آن آزادی فرهنگی و سیاسی او از بین رفته است . اما در اسلام بین آزادی عقیده و اندیشه پیوند برقرار است و آن از الهام خداوند متعال تابیده است : اجباری در دین نیست .

استقلال اقتصادی در تولید مواد غذایی :

تحقق رشد اقتصادی به شیوه ای مستقل از یک استقلال استوار بر یا دستیابی به خوراک امکان ندارد . فراهم ساختن زندگی شرافتمندانه برای فرزندان جامعه از اولین وظیفه های حکومت است و تحول تولید در صحنه غذایی تداوم پیشرفت هر کشوری را تضمین می کند . در حقیقت آنچه مقصود ماست این است که کار تربیتی در ساختن انسان جدید هم جنبه غذای روحی دارد که به طور فراوان در نزد ما موجود است و ایمان ما را تشکیل می دهد و هم جنبه زیستی که پایه آن غذاست و امکان تحول آن به دلیل آنکه زمینه های آن موجو است ، برای میسر است . بنابر این فراهم ساختن خوراک ، نخستین پایه های استقلال را به شخصیت اسلامی می بخشد .

استقرار خارجی :

این مطلب بدیهی که استعمار دست کمک اقتصادی برای هیچ حکومتی از حکومت‌های عقب افتاده دراز نمی کند مگر اینکه بداند این کار منافع او را در محاسبات خود تحقق می بخشد ، این منافع هم شامل امور اقتصادی است و هم غیر اقتصادی .

راه حل مشکلات اقتصادی :

راه حل ، در درون روح اقتصاد اسلام ، روح آباد کردن زمین و عدالت بین عموم و فراهم کردن زمینه زندگی شرافتمندانه برای همه نهفته است . درباره جهان اسلام تنها موضوع توانایی های مالی نیست ، بلکه موضوع بسیج همه نیروهای اجتماعی یعنی انسان ، خاک و زمان است که در طرح به کار می رود و انسان در برابر مشکلات از پای درمی آید .

وحدت اقتصادی لازمه پیشرفت :

روند پیشرفت امکان ندارد بر پایه نگرش منطقه ای تنگ و محدود برپا ایستد ، چراکه تقسیم و از هم گسیختگی ، وضعی اسف بار و عقب افتادگی اقتصادی و فرهنگی را به دنبال خواهد آورد و وحدت یگانگی ، تکامل و آنچه که پیشرفت را از هرگونه شکست احتمالی محفوظ نگه می دارد ، تحقق می بشد .

تحرک سرمایه و عامل پیشرفت :

موضوع در جمع آوری ثروت نیست بلکه در حرکت دادن مال و فعالیت آن با راهنمایی و جهت دهی دارایی های ساده ملت است که با تحویل و تغییر مفهوم اجتماعی آن از دارایی های بی رونق ، به سرمایه ای متحرک تبدیل می شود ، سرمایه ای که اندیشه و کار و زندگی را در کشورها فعال می کند .

ویژگیهای تئوری اقتصاد موفق:

- ۱ - لزوم برنامه ریزی اقتصادی جوشیده از اسلام و دور ریختن عاریت گیری و یا انتقال سوسیالیسم و یا سرمایه داری .
- ۲ - اتکا بر انسان همچون عنصر بنیادی
- ۳ - فراهم آوردن غذا برای همه مردم
- ۴ - مساوات برای همه مردم
- ۵ - انطباق نظام اشتراکی همچون روش اقتصادی با ابزارهای تولیدی که مالکیت جمعی و کشتزارهای جمعی دارد.
- ۶ - فعالیت در زمینه های کشاورزی و بی باوری به این اعتقاد اشتباه که پیشرفت اقتصادی یعنی ایجاد صنعت تنها .
- ۷ - تکامل اقتصاد و وحدت و یگانگی آن
- ۸ - قانون گذاری صرف و به هدر ندادن سرمایه ها
- ۹ - مرزبندی و تعیین چارچوبه های تربیتی ای که نسل ها را امادی می کند
- ۱۰ - اقتصادی انسانی که فعالیت خود را به وظیفه ای بدل سازد

لزوم هماهنگی اقتصاد و سیاست:

برنامه و طرح اقتصاد در خلوت و تنهایی ممکن نیست ، بلکه باید با روش سیاسی که حاکمان کشور را هدایت می کند توأم باشد . بنابراین انقلاب و حرکت کاری است که دو بعد دارد یکی سیاست و دیگری اقتصاد .

امام خمینی (ره)**زندگی نامه و آثار:**

در شهرستان خمین در خانواده ای اهل علم و هجرت و جهاد به دنیا آمد . امام خمینی در طول حیات خود ۸۵ اثر به ربانهای فارسی و عربی در حوزه های مختلفی به رشته تحریر درآوردند.

اندیشه های اقتصادی:

این سوال که " برای رسیدن به یک الگوی مطلوب از سیاستهای اقتصادی بر اساس تعالیم اسلام چه باید کرد ؟ " هم قلمرو مطالعات فقهی ، و هم حوزه کارشناسی اقتصاد را عمیقاً متأثر کرده است ، که خود از بزرگترین دستاوردهای اندیشه اقتصادی امام خمینی است .

اقتصاد همچون وسیله نه هدف:

در مکاتب مادی سرمایه داری و سوسیالیسم هدف خود اقتصادی است و لذا نمی توان گفت در آن مکاتب رابطه کامل و بی واسطه ای بین اقتصاد و هدف وجود دارد . اما از دید اسلام هدف نهایی اقتصاد نیست ، هدف خداگونه شدن است که امری معنوی است . نه تنها اقتصاد وسیله است بلکه به خودی خود اصالتی نیز ندارد چه برسد به هدف بودن . یعنی اقتصاد و مادیات در اسلام تنها در پناه هدف انسان ، که معنوی است قابل قبول است .

توجه زپریناست نه اقتصاد:

زیرا از نظر اسلام حیات و زندگی انسان به این جهان ختم نمی شود مه رفاه و آسایش دنیوی را هدف قرار

دهد . هدف در دو جهان گسترده است زیرا بر اساس اعتقادات الهی نمی توان محدود به یک جهان شد . زیربنا نیز توحید است و باید همه چیز به توحید ختم شود و اگر چیزی در مسیر دنیوی قرار گیرد اسلامی نخواهد بود . امام می فرماید : آنهایی که دم از اقتصاد می زنند و همه چیز را اقتصاد می دانند آنها از باب اینکه انسان را نمی دانند یعنی چه ، خیال می کنند که انسان هم یک حیوان است اما زیربنا توحید است .

اهداف نظام اقتصادی اسلام :

۱ - تربیت و اعتلای معنوی انسانها :

اسلام دینی است که با تنظیم فعالیت های مادی راه را برای اعتلای معنوی انسان می گشاید . ترقی واقعی همین است که رشد خود انسان هدف فعالیت های مادی شود و اسلام ، دین این ترقی است .

۲ - استقلال اقتصادی :

در بینش حضرت امام ، علت اصلی وابستگی یک ملت در حوزه اقتصاد ، فرهنگ ، سیاست و غیره عدم اعتماد بع نفس و خود باوری است و راه دست یابی به استقلال در همه شعب آن توجه به اسلام ، اتکال به خدای بزرگ و وحدت امت اسلامی است .

۳ - ریشه کن کردن فقر در جامعه و ایجاد رفاه عمومی :

ایشان پشت کردن به دفاع از محرومان و رو آوردن به حمایت از اغنیا را مخالف راه و رسم اسلامی می شمارند . از این رو دولت باید با تمام قدرت به محرومان برسد .

۴ - تعدیل ثروت :

برنامه های اسلام تفائت های فاحش درآمد بین مردم را کاهش می دهد و بنابراین اگر در جامعه اسلامی اختلاف طبقاتی شدید وجود داشته باشد ، آن جامعه فقط صورت اسلامی دارد و از محتوای اسلام بی بهره است .

۵ - رشد و سازندگی :

حضرت امام می فرمایند : اسلام اقتصاد را به صورت سالم و بدون وابستگی به نفع همگان در رفاه همه مردم و با اهمیت دادن به مستمندان و ضعیفان باور می کند و برای رشد کشاورزی ، صنعت و تجارت کوشش می کند .

جهت گیری های کلی در برنامه توسعه و نوسازی کشور از منظر امام خمینی :

۱ - تاکید بر حفظ ارزشها و شئون اخلاقی و اجتماعی و نیز سالم سازی اجتماعات .

۲ - اولویت و تقدم خودکفایی کشاورزی بر بازسازی مراکز صنعتی .

۳ - توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی .

۴ - دوری از تکیه بر صادرات نفت .

۵ - تشویق به تولیدات داخلی و برنامه ریزی برای توسعه صادرات .

۶ - تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه صنایع تسلیحاتی .

۷ - جلوگیری از انحصار تجارت داخلی و خارجی .

۸ - برنامه ریزی برای رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعائر و ارزش های کامل اسلامی .

۹ - مبارزه با فرهنگ مصرفی .

۱۰ - آزادی صادرات و واردات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت .

۱۱ - اولویت رسیدگی به خانواده معظم شهدا ، جانبازان ، اسرا و مفقودان .

۱۲ - رعایت اصول ایمنی و حفاظتی مراکز و صنایع و ایجاد پناهگاه های جمعی برای مردم .

۱۳ - استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی .

جهت گیری اقتصادی اسلامی :

جهت گیری اسلام از دیدگاه ایشان حفظ منافع محرومان و مستضعفان است . ایشان می فرمایند : ارائه طرح ها و اصولاً تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زر اندوزان بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و توهیدستی به شمار می رود .

عدالت ، محور تشکیل نظام اسلامی :

امام خمینی در مقابل اصول اساسی و محوری آزادی و اشتراک در دو نظام سرمایه داری و سوسیالیسم ، اصل عدالت را به عنوان محور تشکیل نظام اسلامی معرفی می کنند . امام اعتقاد دارند اسلام با سرمایه داری ، که محوریت بی حساب آن با آزادی مطلق است ، و همچنین با اشتراکیت سوسیالیسم مخالف است . ایشان در مقابل این دو اصل محوری ، اصل عدالت و معتدل بودن اسلام را مطرح می نمایند .

عدالت اجتماعی و تقدم آن بر توسعه :

چند فرمایش از امام در این باب : عدالت هدف و علت تشکیل حکومت انبیاست . عدالت علت بعثت انبیاست . عدالت خواست خداست . عدالت خواست مردم است . عدالت ویژگی خاص حکومت و نظام اسلامی در مقایسه با سایر نظام هاست .

مهم ترین جنبه عدالت ، مفهوم اجتماعی آن است که به صورت عمده ، مباحثات اندیشمندان را در زمینه عدالت را به خود اختصاص داده است . در تفکر دینی هدف عدالت مقدم بر رشد شمرده شده است . از نظر دین رشد در چارچوب عدالت ارزشمند و ضروری است امام دین هرگز حاضر نیست که به قیمت نرخ های بالاتر رشد از عدالت چشم ببوشد . سطح اجتماعی توسعه از دیدگاه امام اهدافی نظیر شرافت انسانی ، استقلال و عزت انسانها ، سعادت و سلامت عمومی ، استقلال اقتصاد ، محرومیت زدایی و عدالت اجتماعی را در بر می گیرد . از آنجا که از دیدگاه امام خمینی توسعه در سطوح اجتماعی مقدم بر توسعه در سطوح اقتصادی است پس عدالت نیز که از اهداف توسعه در سطح اجتماعی است مقدم بر توسعه اقتصادی خواهد بود .

اصول اقتصادی حاکم بر جامعه توسعه یافته :

- ۱ - رفع فقر و ایجاد رفاه
- ۲ - توزیع عادلانه منابع
- ۳ - استقلال اقتصادی
- ۴ - رشد و شکوفایی اقتصادی

اهمیت کشاورزی و تقدم آن بر صنعت :

وی می فرماید : مسئله کشاورزی در کشور ما در راس امور است . امروز باید کار کشاورزی که عبادت و اطاعت امر خداست ، تقویت شود . مسائلی که امام درباره کشاورزی مطرح نموده اند عبارت است از :

- ۱ - خودکفایی در تولیدات کشاورزی و دامی و به خصوص مواد غذایی
- ۲ - کمک دولت برای توسعه کشاورزی به روستائیان
- ۳ - توجه به صادرات کشاورزی
- ۴ - توجه به امکانات بالقوه در کشاورزی

- ۵ - توجه به رفع محرومیت روستاییان
- ۶ - بالا بردن سطح زندگی کشاورزان
- ۷ - توجه به مکانیزاسیون کشاورزی
- ۸ - توجه به افزایش قیمت محصولات کشاورزی

استقلال اقتصادی و خودکفایی :

ایشان می فرمایند : فرهنگ استعماری باید فرهنگ استقلال شوند و اقتصاد ما باید متحول شود ، اقتصاد وابسته به اقتصاد مستقل متبدل شود . وابستگی اقتصادی مسئله ای است که وابستگی های بسیاری را به دنبال دارد باید کاری بکنیم که زائد به خودکفا باشیم . کشور ما کشوری است که می تواند بیش از احتیاج خودش تولید داشته باشد و صادر کند . استقلال با وابستگی جمع نمی شود ما فرهنگمان وابسته شود استقلال نداریم ، اقتصادمان وابسته شود استقلال نداریم .

ربا :

در کمتر جایی است که به اندازه ربا در قرآن و نسبت به آن اهمیت داده شده باشد و آنرا مطرود کرده باشد و نکته اش هم این است که ربا رواج بگیرد فعالیت کم می شود . از نظر امام خمینی ربا از محرماتی است که حرمت آن در روایات شیعه و سنی مورد تایید قرار گرفته است به گونه ای که حرمت آنرا از زنا در خانه خدا بالاتر و بزرگتر دانسته اند و قرآن نیز آنرا ظلمی دانسته که موجب فساد اقتصادی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی است .

وظایف و مسئولیت دولت در اقتصاد :

- ۱ - اعمال نظام اقتصادی اسلام و حرکت دادن جامعه در جهت هدف اقتصاد اسلامی
- ۲ - اعتلای معنوی انسانها
- ۳ - استقلال اقتصادی
- ۴ - عدالت اقتصادی
- ۵ - رفاه عمومی و رشد اقتصادی
- ۶ - ایجاد نظام اقتصادی
- ۷ - نظارت بر بخش خصوصی
- ۸ - تصدی فعالیت اقتصادی
- ۹ - تشریح و قانون گذاری

ملاکهای دخالت دولت عبارتند از :

- ۱ - عدم اقدام بخش خصوصی
 - ۲ - اقدام بخش خصوصی بر خلاف مصالح اسلام و مسلمین
- نتایجی که مقدمات ولایت فقیه از منظر امام را بیان می کند عبارت است از :
- ۱ - ایلام نظام مند است و نظام اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی دارد .
 - ۲ - ولی فقیه مسئول اجرای نظامات اسلام به همه ابعاد آن است .
 - ۳ - شرایط خاص زمان و مکان در هر دو ، موجب به وجود آمدن تزامم بین اهداف ، مبانی و احکام می شود که راهی جز مقدم ساختن اهم بر مهم وجود ندارد و تشخیص اهم نیاز به مرجع خاص دارد .

توزیع مجدد درآمد :

از دیدگاه امام اسلام برای توزیع مجدد درآمدها ابزار خاصی مانن خمس و زکات معرفی کرده است . در صورت عدم کفایت این وجوه و وجوه دیگری ، که از درآمدهای دولت محسوب می شود ، همچون جزیه و خراج دولت می تواند از مردم مالیات بگیرد و به این نوع مالیات مالیات حکومتی گفته می شود و نیاز به عنوان معیار توزیع مطرح می شود .

لزوم مشارکت بخش خصوصی :

امام خمینی بر مبنای بینش صحیح و دقیق و همه جانبه خود از اسلام ، بر حضور و مشارکت مردم و بخش خصوصی به صورت فعال در اقتصاد تاکید می کنند . در عین حال نظارت و هدایت دولت را در جهت دهی به حرکت ها و فعالیت های اقتصادی صحیح و سالم و جلوگیری از ایجاد فاصله طبقاتی و رسیدگی به حال افراد ضعیف تر را لازم می شمارد ف اما به طور قاطع گوشزد می کند که حیطة فعالیت های اقتصادی نباید به گونه ای باشد که دولت با ورود در فعالیت های غیر ضروری جای بخش خصوصی را بگیرد و در فعالیت هایی که این بخش قادر به انجام آنهاست وارد شود .

انقسام مالکیت :

۱ - مالکیت خصوصی :

این شکل از مالکیت بر ۴ قسم است :

مالکیت فرد (حقیقی) : مالک فرد خاصی از افراد انسان است .

مالکیت جمعی : مالک دونفر یا بیشتر از دونفر به صورت اشتراک است .

مالکیت عنوان : در این قسم عناوینی چون فقرا ، سادات ، علما و مطرح هستند .

مالکیت شخصیت حقوقی : به نحوی که در قانون مضبوط است امری عقلایی و معتبر امام می داند .

۲ - مالکیت دولتی :

امام معتقدند امام معصوم یا ولی فقیه مالک انفال و سهم امام از خمس نیستند ، بلکه ولی امر آنهاست یعنی می توانند در این اموال موافق با مصالح مسلمین تصرف کنند که البته این به معنای نفی مالکیت دولت به طور کلی نیست .

۳ - مالکیت عمومی :

این نوع مالکیت در حقیقت مالکیت عنوان همه مسلمین است با این تفاوت که این عنوان عام بوده و می تواند بر همه مسلمین تطبیق داد .

زندگی نامه و آثار :**مرتضی مطهری**

وی از مجتهدینی بود که علاوه بر تسل کامل در مباحث فقه ، اصول معارف اسلامی از جایگاه ارجمندی در بین دانشگاهیان برخوردار بود . آراء و عقاید اقتصادی ایشان در چند کتاب تحت عنوان : ربا ، بانک ، بیمه و نظری به نظام اقتصادی اسلام درج گردیده است .

اندیشه ای اقتصادی :

اسلام دو پیوند دارد با اقتصاد : مستقیم و غیر مستقیم . پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت ، مبادلات مالیاتها و غیره دارد. پیوند غیر مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است .

اقتصاد اسلامی :

کسانی که فکر می کنند مسائل زندگی از یکدیگر جداست و هر چیزی یک مرز و قلمرو خاص دارد و هر گوشه ای و قسمتی از زندگی بشر به یک شیء به خصوص تعلق دارد ، تعجب و احياناً انکار می کنند که کسی مسئله ای به نام اقتصاد اسلامی طرح کند . به نظر ایشان بعضی پا از فراتر نهاده و گفته اند زندگی به طور کلی یک مسئله است و دین مسئله دیگر ، دین را نباید با مسائل زندگی مخلوط کرد . این اشخاص اشتباه اولشان این است که مسائل زندگی را مجرد فرض می کنند . خیر ، زندگی یک واحد و همه شئونش توأم با یکدیگر است .

ارزش :

به عقیده مطهری ارزش نه ذاتی اشیاء است که از قبیل صفات فی نفسه اشیاء باشد و نه اعتباری و قراردادی است . اصل ارزش ناشی از نفع بودن است ، که نشاء و مبداء تقضاست . بعضی کالاها ساخته و پرداخته از طبیعت دریافت می شوند و قیمت آنها متناسب با کاری که روی آنها صورت میگیرد نیست ، مانند ماهی ها و آهو ها . لذا دولت این گونه منابع ثروت را ملی و عمومی اعلام می کند . مالیات و ارزش پیدا کردن یک چیز تابع این است که اولاً به حال بشر مفید باشد ، ثانیاً وافر و رایگان باشد ، ثالثاً قابل اختصاص باشد . از آنچه گفته شد معلوم می شود در اصل مالیت کار دخالت ندارد البته بسیار چیزهاست که تا روی آنها کار نشود قابل استفاده نیستند ولی بسیاری از چیزها قبل از آنکه روی آنها کاری صورت بگیرد قابل استفاده اند و مالیت پیدا می کنند .

ثروت و عوامل تعیین کننده آن :

اسلام پول پرستی و اینکه انسان برده پول باشد را محکوم کرده است . انسان پول را همچون وسیله برای فعالیت و عمل و تسهیل و تولید بخواند . در این صورت پول تابع آن هدف کلی است که انسان پول را برای آن هدف می خواهد . اسلام که پول پرستی را محکوم کرده است ، پول و ثروت را محکوم نکرده است زیرا :

- ۱ - تولید ثروت توصیه شده
- ۲ - مبادله ثروت یعنی تجارت و داد و ستد توصیه شده
- ۳ - مصرف رساندن از نظر شخصی در حدود احتیاجات فردی خالی از هر نوع تجمل و اسراف ، که مفسد انسان است ، توصیه شده .
- ۴ - تبذیر و اسراف و تزیین آن ممنوع است
- ۵ - مقررات سخت قضایی و جزایی درباره حیف و میل عا ، سرقت ها و خیانت ها وضع شده است .
- ۶ - دفاع از مال در حکم جهاد و کشته در این راه شهید تلقی شده است
- ۷ - برای مال بر انسان حقوقی قائل شده است
- ۸ - خود ثروت در کمال صراحت در قرآن کریم با عنوان خیر نامیده شده است .

عوامل تولید کننده ثروت :

- ۱ - ثروت هایی که فطر طبیعت در تولید و ایجاد آن دخالت دارند / گل های صحرايي ، میوه های جنگلی
- ۲ - ثروت هایی که طبیعت بعلاوه کار و کوشش انسان در ایجاد آنها دخالت دارد / درختی که به دست انسان کاشته می شود .
- ۳ - ثروت هایی که از طبیعت بعلاوه کار و بعلاوه سرمایه به وجود می آید / کفش

پول :

تدریجاً در اثر تکامل صنایع و توسعه احتیاجات و تنوع آنها و ازدیاد روابط و تقسیم و تخصص بیشتر ، مبادله دچار اشکال شد. ناچار لازم شد شیء خاصی که ارزش ذاتی یا اعتباری و تضمینی دارد به میان بیاید که آن پول است .

ربا :

ربا در اصطلاح فقهی دو نوع است : ربای قرضی (این است که کسی جنسی یا پولی را قرض بدهد ، بعد منفعتی بیش از آنچه که به قرض داده بگیرد) ربای معاملی (در آن پای قرض در میان نیست بلکه پای معاوضه در کار است که ربای جنس به جنس نیز می گویند)

مبادله :

مبادله فرع بر مالکیت فرعی است . اقتصاد مبادله ای یعنی اقتصاد مبنی بر مالکیت فردی . مبادله گاهی به صورت مبادله کالا به کالا است که در اجتماعات ائلیه وجود دارد و گاهی با میانجی گری پول انجام میگیرد .

بیمه :

به عقیده شهید مطهری بیمه یک معامله مستقل است که اقسام متفاوتی دارد و وجه مشترک همه اقسام آن تامین بودن آن است . تامین یعنی امنیت دادن . بیمه جزء معاملاتی است که زمان در آن دخالت دارد مدتش باید مشخص باشد اگر زمان بیمه مشخص نباشد باطل است .

سید محمد باقر صدر**زندگی نامه و آثار :**

در شهر کاظمین دیده به جهان گشود . مرجعیت وی پس از وفات آیت الله حکیم آغاز شد وی تا پیش از رسیدن به سن بلوغ به مرحله اجتهاد رسید و تا قبل از سن پانزده سالگی صاحب فتوا گردید . کتاب پر ارج اقتصادنا که به بررسی نظام های اقتصادی اسلام و مکاتب شرق و غرب (سوسیالیسم و کاپیتالیسم) می پردازد ، تحقیقی عمیق و بی سابقه است . این کتاب ارزشمند نخستین اثری است که سیستم اقتصادی اسلام را در طرحی عملی و محققانه ارائه کرده است . از چهل سال پیش تا کنون این کتاب همواره یکی از منابع مهم پژوهشگران و طراحان اقتصادی در جهان اسلام است . تقریباً یک سوم کتاب در رد و نقد مارکسیسم است . شرایط اجرای اقتصاد اسلامی عبارت است از :

۱ - نظام فکری ایمانی اسلامی

۲ - ارزش گذاری امور موضوعات جامعه بر مبنای اولویت دهی به مفاهیم ارزشی اسلامی

۳ - اسلامی بودن انگیزه های عاطفی و نفسانی مردم در انجام دادن کارها

اندیشه های اقتصادی :

مکتب اقتصادی عبارت است از شیوه حل مسائل اقتصادی و علمی ، که در هرجه به نحوی از آن پیروی می شود . علم اقتصاد دانشی است که پدیده های اقتصادی را تفسیر و رابط بین آن را تعیین می کند . بعضی از دانشمندان قلمرو مکتب را به توزیع ثروت محدود دانسته اند و به وجود رابطه ای میان مکتب و تولید معتقد نیستند . به نظر آنها علم اقتصاد عبارت است از علم به قوانین تولید و مکتب اقتصادی یعنی شیوه توزیع ثروت . مکتب اقتصادی اینجا به هر قاعده اساسی اقتصادی که ایده عدالت اجتماعی ارتباط یابد اطلاق می شود . علم اقتصاد شامل هر نظریه ای است که رویدادهای عینی اقتصادی را دور از هرگونه اندیشه عدالت

خواهانه و پیش ساخته ذهنی تفسیر می کند .

ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی :

ساختمان عمومی اقتصادی از سه اصل اساسی تشکیل یافته :

۱ - اصل مالکیت مختلط :

اسلام اصل مالکیت مختلط را (مالکیتی که اشکال متنوع دارد) به جای اصل شکل واحد مالکیت که سرمایه دای=ری و سوسیالیسم به آن معتقدند وضع می کند . از این لحاظ می بینیم که سه نوع مالکیت در اسلام وجود دارد : مالکیت خصوصی ، مالکیت عمومی ، مالکیت دولت .

۲ - اصل آزادی اقتصادی در کادر محدود :

اسلام روشی را اتخاذ می کند که با طبیعت عمومی مردم هماهنگی دارد . لذا در حدود ارزش های معنوی و ایده های اسلامی به توده ها آزادی می دهد و از طرفی آزادی را در مجرای صحیح خود قرار داده ، از این رهگذر از آزادی وسیله خوبی برای خدمت به خلق به وجود می آورد . محدودیتی که اسلام درباره آزادی اجتماعی دارد دو نوع است : ذاتی (که از ژرفای روح آدمی سرچشمه گرفته نیرویش را از ذخائر روحی و فکری شخصیت اسلامی تامین می کند) عینی (عبارت از یک نیروی خارجی است که رفتار و سلوک اجتماعی را مشخص و کنترل می کند)

۳ - اصل عدالت اجتماعی :

اسلام نظام توزیع ثروت در جامعه اسلامی را از عناصر و تضمین هایی بهره مند کرده که توزیع قادر بر تحقق بخشیدن به عدالت اسلامی باشد و با ارزش هایی که برپایه آن استوار است انسجام داشته باشد . شکل اسلامی عدالت اجتماعی دو اصل اساسی دارد : اولاً اصل همکاری عمومی (تکافل عام) ثانیاً اصل توازن اجتماعی .

عدالت و عدالت اقتصادی :

در تفکر اسلامی عدالت اقتصادی برپایه مناسبات حقوقی (حقوق در معنای گسترده کلمه) تعریف می شود . هر جا که حق و حقوقی تعریف شود توزیع برابر نگرانه آن عدالت نام دارد . در اسلام بر مبنای شریعت معین شده و وظیفه عاملان اجتماع مسلمان ، توزیع آن بر مبنای شریعت است . شناسایی حق در تفکر اسلامی اغلب با معرفی دوزنوع حق عنوان می شود : اولاً حق خاص (که بر مبنای آن چند و چون مالکیت خصوصی مشخص می شود) ثانیاً حق عام (که حوزه دولت را در اقتصاد معین می کند) .

وظیفه دولت در تامین توازن اجتماعی :

صدر بی نیاز ساختن افراد و رفاه عمومی هدفی است که نصوص آن را از وظایف ولی امر و در نتیجه حکومت اسلامی شمرده است . او آن بی نیازی که اسلام رسیدن به آن را حق عموم مردم می داند ، حد فاصل تعلق زکات و عدم تعلق آن می داند که به عقیده او معیار مناسبی برای تشخیص سح مناسب معیشت است . سپس متناسب با مسئولیتی که دولت در به ثمر رساندن توازن جمعی دارد ، اختیارهایی برایش منظور شده است که می توان آنها را به سه مورد زیر خلاصه کرد :

۱ - وضع مالیت های ثابت

۲ - فعالیتهای بخش عمومی و سرمایه گذاری دولتی

۳ - اختیارات قانونی و حقوقی برای تنظیم روابط اقتصادی جامعه

مالکیت ثروت های طبیعی :

ثروت های طبیعی به دو دسته عمده تقسیم می شوند : دسته اول منابع اصلی ثروت در طبیعت از قبیل زمین و معادن و دسته دوم ثروت های دیگر موجود در طبیعت که به صورت متفرق در اطراف و اکناف جهان پراکنده است مثل حیوانات و گیاهان و مهم ترین منابع ثروت در طبیعت شامل :

۱ - زمین

۲ - معادن

۳ - منابع آب

نوع اول و دوم دخل در بخش عمومی بوده که در اختیار دولت قرار دارد ، اما نوع سوم جزء مباحات عمومی محسوب می شود و در اختیار افراد جامعه قرار می گیرد . اسلام فقط در یک صورت اجازه تسلط و حیزارت را داده است آن هم در مورد احیای زمین های موات است .

اهوال منتقول :

اموالی اند که استفاده از آنها به شکلی و نوع برای تمام افراد جامعه مباح است . اینگونه اعمال یک نوع کار اقتصادی است و از هرگونه احتکار به دور است .

تولید و اهمیت آن در سیستم اقتصاد اسلامی :

انسانی که خلیفه الله در زمین است بیش از پیش از خیرات و نعمت هایی که در طبیعت است استفاده می نماید . امام هنگامی که اسلام رشد تولید را به صورت یک مسئله اجتماعی مطرح می نماید آن را در چارچوبی قرار می دهد که با تمدن انسان و هدف های خلاف عامه انساب بر زمین مغایرت نداشته باشد . از اینجاست که اسلام با دیگر مکاتب اجتماعی مادی از لحاظ برنامه ریزی و رعایت نهادها و آرمانهای بشری اختلاف پیدا می کند . به طو کلی برنامه تولید در اقتصاد اسلامی برپایه ایجاد یک زندگی مرفه استوار است که در آن تمام شرایط و مقدمات آسایش و رفاه افراد جامعه تضمین شده باشد و در عین حال تمام مظاهر اسراف و ولخرجی های بی مورد نیز از آن زایل شده اند .

تقسیم ثروت در تولید اولیه و ثانویه :

شهید صدر اعتقاد دارد در تولید اولیه ثروت دوعامل در یکدیگر ادغام شده در کار تولید وجود دارد و اول : کار و کوشش انسان در راه تولید . دوم : طبیعت . اسلام در زمینه تقسیم ثروت هایی که از تولید اولیه بدست آمده است به نتایج زیر ایمان دارد :

۱ - ثروت هایی که از تولید حاصل می شود همگی بر اساس کاری که آن کارگر انجام داده است ، به مالکیت او در خواهد آمد .

۲ - اگر کارگر در امر تولید از ابزار و وسایل دیگران استفاده کرده است باید در مقابل کار و استفاده ای که از آنها برده اجاره بها را به صاحبش تسلیم نماید و مالک این وسایل هیچ گونه حقی بر ثروتهای تولیدی ندارد .

۳ - هیئت حاکمه ای که ملت به نام دولت برگزیده است حق تصرف و در اختیار گرفتن قسمتی از مواد تولیدی را به عنوان اجرت دولت و در مقابل استفاده تولید کننده از منبع طبیعی عمومی ، که ملک دولت اسلامی است دارد .

توزیع و عوامل موثر بر آن :

سازمان توزیع در اسلام از دو وسیله اصلی تشکیل یافته است که عبارتند از کار و احتیاج و هر یک از این دو

وسیله نقش فعالی در زمینه عمومی ثروت اجتماعی دارند. کار در نظر اسلام پایه مالکیت کارگر است با این ترتیب کار وسیله اصلی در دستگاه توزیع اسلامی است زیرا هرکاری به وسیله کار از ثروت های طبیعی که به دست می آورد بهره مند می شود و طبق قاعده کار علت مالکیت است ، حاصل کار خویش را به تملک در می آورد .

مصرف :

اسراف به معنای محدودیت کمی مصرف در زندگی است و بر این قرار در جامعه اسلامی به هیچ فردی اجازه داده نمی شود که از حدود طبیعی مصرف در راه برآوردن حاجاتش تجاوز کند و هرگاه از حد طبیعی آن تجاوز کرد اسراف محسوب می شود و بر دولت اسلامی است که از اسراف جلوگیری به عمل آورد . درجه اسراف نیز مربوط به وضع رفاه جامعه است که هر اندازه درجه رفاه عمومی در سطح بالاتری قرار گرفته باشد طبعاً اسراف به شکل محدود تری نمایان می شود .

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com